کار ـ نان ـ آزادی
حکومت شورائی

کارگران سراسرجهان
متحد شوید !

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سال پانزدهم - شماره ۲۶۴ | تیر ماه ۱۳۷۲ | ۱۶ صفحه

جمهوری اسلامی در انزوای بین المللی

اوضاع سیاسی جهان و تحولات سیاسی ونظامی در منطقه خاور میانه رژیم جمهوری اسلامی رابشدت نگران کرده است . این نگرانی ازآن رودر لحظه کنونی تشدید شده است که در بحبوحه وخامت اوضاع داخلی رژیم در شرایطی که بحران اقتصادی باردیگر تشدیدمیشود وفشارهای متعدد اقتصادی، اجتماعی وسیاسی توده وسیع مردم رابه رودرروئی آشکار با حکومت کشیده است ، جمهوری اسلامی بایکرشته معضلات ، فشارهاوتهدیدات در عرصه بین‌المللی ومنطقه‌ای روبروشده است . برهمین مبنا انفراد بین المللی جمهوری اسلامی بمرحله ای رسیده که تابامروزسابقه‌نداشته‌است. مخمصه ای که امروز جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی بدان گرفتارشده در واقع محصول تحولات سیاسی بین المللی

۳

بازهم وعده و بازهم دروغ

یک وجه عمده سیاستهای حکومت اسلامی ، ازهمان ابتدای روی کارآمدنش عوامفریبی ، دروغپردازی ودادن وعده های توخالی بوده است . جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه های خویش وتداوم ستم واستثمار، همپای سرکوب خشن وخونین کارگران و زحمتکشان، ازاین ابزار نیز سود جسته است . سران رژیم درهمان حال که باتکیه برسرنیزه ازمنافع سرمایه داران وستمگران پاسداری کرده اند، بادروغ هاووعده های توخالی خود نیز سیاست های سرکوبگرانه خویش را تکمیل کرده اند. اگرچه این دو خصیصه یعنی سرکوب وفریب درذات همه رژیمهای بورژوائی است ، با اینهمه باید اذعان کرد که جمهوری

۷

دومین شکست ائتلاف حاکم

سرانجام انتخابات نمایشی ریاست جمهوری روز۲۱ خرداد برگزار گردید و همانطور که ازقبل هم معلوم بود با بیرون آمدن نام رفسنجانی از صندوق های رای ، این نمایش مسخره هم بپایان رسید. تمام پروسه این باصطلاح انتخابات از آغاز تا انتهایش دال برقلابی بودن آن بود . از میان ۱۲۸ کاندیدای ریاست جمهوری به غیر از رفسنجانی ، شورای نگهبان صلاحیت فقط سه نفر راتأیید کرد که در میان آنها نیز فرد سرشناسی که احیانا بخواهد ویا بتواند باوی دست به یک رقابت جدی بزند وجود نداشت . هیچکدام ازآنها در برابر برنامه های رفسنجانی آلترناتیوی نداشتند. توکلی که یک چهره بغایت ارتجاعی وضد کارگری است ویک دوره وزیر کار رژیم هم بوده است و

۲

محاکمه جلال الدین فارسی وجایگاه قانون درحکومت اسلامی

چند ماه قبل هنگامیکه جلال الدین فارسی دراطراف طالقان مشغول تفریح وشکار بود بایکی از اهالی واردنزاع میشود واین فرد باگلوله تفنگ آقای فارسی بقتل میرسد. شخص اخیر بعنوان متهم بقتل عمد توسط دستگاه قضائی جلب میشود امابعد ازمدتی بااخذ وثیقه ،وی رارهامیکنند حال آنکه مطابق قوانین رژیم تاتعیین تکلیف نهائی وصدور حکم نمی بایستی اورا رها کنند. رئیس محکمه حجت الاسلام عروجی ، برطبق تشخیص و ملاحدید خود عمل

۴

رژیم قادربه مهارتورم نیست

نرخ تورم باسرعتی حیرت آور سیرصعودی را میپیماید. باگذشت هر روز، هرهفته وهرماه چند درصد دیگر بر قیمت کالاها وخدمات موردنیاز عمومی افزوده میشود. درحالی‌که تنها چهارماه ازسال جاری سپری شده است

۵

کنفرانس جهانی حقوق بشر،هیاهوی بسیار برای هیچ !

اواخرخردادماه وین پایتخت اتریش شاهد برگزاری دومین کنفرانس جهانی حقوق‌بشربود. وزرای خارجه وهیئت های نمایندگی ۱۸۱ کشور جهان، برای شرکت دراین کنفرانس دروین اجتماع نمودند.علاوه برهیئت های نمایندگی دولتی حدود۲ هزارنفر به نمایندگی ازسوی هزار سازمان غیردولتی که درسطح ملی یابین المللی درزمینه حقوق بشر فعالیت میکنند نیز به پایتخت اتریش آمده بودند. کنفرانس به دعوت سازمان‌ملل تشکیل شده بودتادرمورد مفهوم حقوق بشر وجنبه جهانی وفراملی آن به بحث بپردازد وجهت بهبود اجرای مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر تصمیماتی اتخاذ نماید.

۶

اطلاعیه مشترک

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

۹

" آئین نامه کارهای سخت وزیان آور" وجنبه های ضد کارگری آن

۱۶

یادداشتهای سیاسی

★ارتجاع اسلامی وتشدید تضیقات علیه زنان ایران ۱۶
★جمهوری اسلامی هراسناک ازاعتلاء جنبش خلق کرد ۱۳
★آمریکا بازهم دست به کشتار مردم عراق زد! ۱۴

دومین شکست ائتلاف حاکم

سرشناس ترین این افراد محسوب میشد، دو روز قبل از انتخابات در گفتگو باروزنامه رسالت عنوان کرده بود که برنامه های رفسنجانی رادر اساس قبول دارد . آن دو نفر دیگر حتی بقدر سیاهی لشکر هم نتوانستند نقش بازی کنند . مساله انتخابات آنقدر فرمال و تصنعی بود که از تبلیغات انتخاباتی هم چندان خبری نبود چراکه در واقع امر، تبلیغات روی نتیجه‌انتخابات تأثیری‌نداشت . برنده این بازی خوب میفهمید که این بازی جلوصحنه صرفا بمنظور حفظ ظاهر است . در بازیهای پشت صحنه بعد از مرگ خمینی انتخابات انجام یافته بود و هنگام تقسیم قدرت ،برسر ریاست جمهوری وی توافق شده بود . بازندگان این بازی نیزموضوع رامی فهمیدند و ازقبل میدانستند که با تبلیغ ویابدون تبلیغ بهر حال این رفسنجانی است که باید رئیس جمهور باشد .از اینرو جمعیت ها وتشکلهای مذهبی وانواع واقسام مؤسسات ودسته جات دولتی وغیر دولتی به حمایت از رفسنجانی برخاستند. جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ونظائرآن ضمن دعوت ازمردم به شرکت در انتخابات ، حمایت خویش را از رفسنجانی اعلام کردند. جالب اینجاست که آذری قمی (صاحب امتیاز روزنامه رسالت) نبوی (مدیر مسئول روزنامه رسالت) ودیگر گردانندگان‌اصلی‌این روزنامه ، پشت توکلی ، سرمقاله نویس روزنامه خود را مصلحتا خالی کرده وهمگی از رفسنجانی پشتیبانی کردند . توکلی نیز این مطلب راپنهان نکرد، اوخود گفته بود که روزنامه رسالت از رفسنجانی حمایت خواهد کرد .موضوعی که در عین آنکه پرده ازروی توافقات قبلی برمیداشت بیش از پیش ساختگی بودن‌انتخابات رابه‌نمایش میگذاشت .

سران رژیم که همه ابزارها را در اختیارداشتند تااین مضحکه را مطابق توافقات‌قبلی خویش هدایت کنند، تردیدی روی نتیجه آن نداشتند، بااینوجود از جهت تبلیغات بعدی اصرار فراوانی داشتند که تعداد بیشتری از اقشار مردم را به پای صندوق های رای بکشانند. ازاینرو جمهوری اسلامی که ازمدتها قبل شرایط سنی رای دهندگان را بقدر کافی (۱۵ سال) تقلیل داده بود اکنون از طریق ارگانهاوعناصر وابسته به خود مکررا از مردم میخواست که در صحنه حضور یابند وفعالانه دراین مراسم شرکت جویند خامنه ای نیز چند روز قبل از " انتخابات " مردم را به شرکت در آن فراخواند وطبق معمول آنرا یک وظیفه شرعی خواند . جناحهای مختلف حکومتی برروی ضرورت شرکت فعال مردم در انتخابات وتبلیغ حول آن متفق بودند وکوشش زیادی هم بکار بردند تااین مقصود حاصل شود . جناح " حزب الله " که مدتهاست از ارگانهای اصلی حکومتی کنار زده شده است ودر پراکندگی بسر میبرد، از آنجا که میدانست دراین بازی نیز بازنده خواهدبود، اساسا وارد آن نشد. ائتلاف حاکم ازهرجهت آماده بود وبه سادگی قادر بود تاپوزه حزب الله رادراین صحنه‌هم بخاک بمالد . " حزب الله " که اینموضوع را نیک میدانست خود راکاملا کنار کشید تا با تماشای صحنه به تفسیر وتعبیر اوضاع بپردازد . اما هنوز تفسیرهای وی در روزنامه سلام از چگونگی انتخابات وشق زدنها وگلایه هایش نسبت به نبود احزاب سیاسی مختلف برای معرفی کاندیدا ، معلوم بودن نتیجه انتخابات واعمال نظر شورای نگهبان وامثال آن تازه آغاز شده بود که از طرف مخالفین شدیدا مورد حمله قرارگرفت وبزودی مجبور شد تحت فشار این مخالفین ولو در حرف هم که شده موضع انفعال رارها سازدخلاصه آنکه در نهایت این جناح هم مردم را به شرکت فعال در" انتخابات " فرا خواند."دفتر تحکیم وحدت " نیز به همین سیاق وبه رغم آنکه مؤتلفین حاکم راکه خواستار حضور گسترده مردم در "انتخابات "بودند مورد سؤال قراردادواین حضوررا"صوری " ، "دستوری "و " تقلیدی " خواند وآنرا مورد انتقاد قرار داد، معهذا این دفتر نیز مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرد .

ازسوی دیگر کمونیستها وهمه نیروهای انقلابی ودیگر نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ، جملگی انتخابات ریاست جمهوری رژیم راتحریم کردند . جمهوری اسلامی باپرروئی تمام از انتخابات آزاد سخن میگفت ، حال آنکه همه گان میدانستند که انتخاباتی در کار نیست ونبود. در جامعه ای که مدتهاست آزادیهای سیاسی لگدکوب مرتجعین وکهنه پرستان شده است ، درجامعه ای که احزاب وسازمانهای سیاسی اجازه فعالیت ندارند، در جامعه ای که آزادی بیان ، اندیشه ، عقیده ،تشکل،اعتصاب ونظیر آن معنا ومفهومی ندارد چگونه میتوان از انتخابات وآنهم‌انتخابات آزاد صحبت کرد؟ قلابی بودن این مراسم نمایشی نه فقط برای نیروهای سیاسی ، بلکه‌برای‌اکثرمردم ایران روشن بود . کسی رغبت به شرکت دراین مراسم از خود نشان نمیداد. مردم این موضوع را خوب میدانستند که رژیم رئیس جمهور خود رااز پیش انتصاب کرده است وبقیه قضایا ظاهرسازی است . مراسمی نمایشی ، بی رونق وبی شور وحال که کمترین نشانه ای از یک مبارزه انتخاباتی در آن بچشم نمیخورد در معیت یکصدهزار نفر از نیروهای انتظامی که بمنظور" تأمین امنیت " آن بسیج شده بودند برگزار گردید . کارت های انتخاباتی که یکماه ونیم قبل از انتخابات چاپ شده بود ! وجای چهارعکس برروی آن بود ! آماده بودتاازصندوقها بیرون آورده شوند . معهذا علی رغم همه تردستی های رژیم در رای سازی ، از حدود ۳۵ میلیون نفر افرادی که واجد شرایط رای دادن بودند ــ نه ۲۹ میلیون آنطور که بعدا از طرف رفسنجانی عنوان شد ــ حتی مطابق ادعای رژیم تنها ۱۶/۷۰۰/۲۵۰ نفر آراء خود رابه صندوق ها ریختند و مابقی یعنی بیش از نیمی از آنها عملاازدادن رای خودداری ورزیدند. صرف نظر از درستی ویانادرستی این ارقام ادعائی که بی شک جمهوری اسلامی به نفع خود درآنها دست برده است ، باید در نظر داشت تعداد زیادی از رای دهندگان نه از روی اعتقادبلکه تحت شرایط اجبار وتهدید وفشار وبرای آنکه از عواقب امتناع از رای دادن در امان بمانندآراءخود رابه صندوق هامیریزند . این عمل آنهابرخلاف ادعاهای سران رژیم مطلقا بمعنای تأیید رژیم نیست . چه بسا بسیاری ازآنها در مخالفت با رفسنجانی به کاندیداهای دیگر رای دادند . بخش عمده آراء حدودا چهار میلیونی راکه توکلی بخود اختصاص داد باید درهمین رابطه دید . رفسنجانی که بیشترین آراء را(حدود ۱۰/۵ میلیون) بخود اختصاص داد، فقط توانست ۳۰/۱۵ % کل آراء واجدین شرایط راکسب کند یعنی بیش از $\frac{۲}{۳}$ واجدین شرایط ــ وبازنه $\frac{۱}{۳}$ آنطورکه رفسنجانی بعدا ادعا کرد ــ به اورای ندادند. چند روزبعد از"انتخابات" در خطبه های نمازجمعه تهران ، به رغم تعریف وتمجید فراوانی که رفسنجانی از خود بعمل آورد ، به کاهش آراء مردم نیز اشاره کرد وباذکر این جمله که " خودم را ... برای اینکه بکلی آراء مردم راازدست بدهم آماده کرده بودم " (سلام - ۲۹ خرداد۷۳) به ماهیت ضد مردمی خود وبرنامه‌هایش اعتراف نمود .

بدینسان اگرچه ملزومات ظاهری برای ابقاء رفسنجانی در پست ریاست جمهوری بهر حال فراهم گردید، اگر چه حکومت اسلامی بااین ظاهرسازیها وانتخابات قلابی و نمایشی اش ، قلاب بندیهای پنهانی وانتصاب مجدد رفسنجانی را رسمیت وقانونیت بخشید ــ واین‌یک نکته است ــ اما نتوانست ــ ونکته مهم اینجاست ــ اکثریت عظیمی از مردم را به پای صندوق های رای بکشاند. اکثریت بزرگی از مردم این انتخابات فرمایشی راتحریم کردند و باتحریم اعتراض آمیز خود در واقع پاسخ درخوری به هاشمی رفسنجانی دولت وی وکلیت رژیم حاکم دادند. اگر نخستین شکست مهم ائتلاف حاکم در تحریم " انتخابات " مجلس چهارم متجلی گردید ، دومین شکست آن که مهمتر وسنگین تر از شکست قبلی است در همین " انتخابات " ریاست جمهوری تجلی یافت .

جمهوری اسلامی در انزوای بین المللی

چندسال اخیر ازجمله پایان گرفتن دوران جنگ سرد است . پیش از غروپاشی بلوک شرق بنابه ملاحظات استراتژیک ، نقش وموقعیت ویژه ایران در خاور میانه وخلیج فارس از جهات مختلف اقتصادی ، سیاسی و نظامی ، تضادهائی که فی مابین دو بلوک وجودداشت و مسائل مربوط به توازن قوای بین المللی ، جمهوری اسلامی برغم پاره ای تضادهاواختلافاتی که با هریک از این دوبلوک داشت ، از حمایت وپشتیبانی این هردو برخوردار بود وازاین موقعیت ویژه حداکثر بهره برداری رادرجهت تثبیت وحفظ موجودیت خودبعمل آورد. بلوک امپریالیستی غرب گذشته از منافع اقتصادی، سیاسی ونظامی درازمدت در ایران ،موجودیت جمهوری اسلامی را بعنوان یک رژیم فوق ارتجاعی ضد کمونیست ومنبع الهام وگسترش جنبش های پان اسلامیست در منطقه درجهت بانحراف کشاندن جنبش های توده ای منطبق باسیاست واهداف خود درمنطقه میدانست . در حقیقت جمهوری اسلامی یکی از حلقه های اصلی در طرح امنیتی کمربندسبز محسوب میشد. ازاینرو برغم اینکه این رژیم ازموضعی ارتجاعی باامپریالیسم ورژیم های دست نشانده آن درمنطقه تضادها واختلافاتی هم داشت ودر پاره ای موارد مشکلاتی نیز برای آنها ایجاد میکرد بااین همه اهمیت موجودیت جمهوری اسلامی درطرحهای استراتژیک بلوک امپریالیستی غرب به درجه ای بود که این تضادها واختلافات ناچیز مینمود. بلوک شرق هم ازاین زاویه که گویا رژیم جمهوری اسلامی رژیمی ضدامپریالیست است وتمایل به گسترش مناسبات اقتصادی وسیاسی بااین بلوک داردونتیجتا موقعیت امپریالیسم را در ایران ومنطقه تضعیف میکند ازاین رژیم پشتیبانی میکرد. سران جمهوری اسلامی نیز بایکرشته مانورهای ماهرانه کوشیدند ازتضاد دوبلوک بنفع خود استفاده کنند، موقعیت بین المللی رژیم را مستحکم سازندوبرغم معضلات داخلی از جمله نارضایتی توده ای وبحرانهای مداوم هیئت حاکمه قدرت سیاسی را همچنان دردست نگهدارند. این دوران از نظر بین المللی مساعدترین شرایط برای جمهوری اسلامی محسوب میشد. امافروپاشی بلوک شرق وپایان دوران باصطلاح جنگ سرد به این موقعیت بالنسبه مساعدی که جمهوری اسلامی از آن برخورداربود پایان داد. برغم اینکه کمونیسم ستیزی جمهوری اسلامی ازدیدگاه قدرتهای امپریالیست همچنان یکی از خصلتهای مثبت این رژیم محسوب میشود بااین همه در شرایطی که دیگر تضاد دوبلوک عمل نمیکرددیگر نیازی به نقش گذشته جمهوری اسلامی که در پاره ای موارد با سیاستهای غرب در تضاد قرار میگرفت نبود. آرامش میبایستی بر منطقه حاکم میشد وجنبش های پان اسلامیست نیز باکنارگذاردن ادعاهای باصطلاح ضدامپریالیستی در چارچوب قوانین ونظامهای موجود بفعالیت خودادامه دهند. لذا جمهوری اسلامی که سالها مستقیم وغیرمستقیم از سوی امپریالیستها مورد تائید وحمایت قرارگرفته بود اکنون میبایستی مهارشود و جلو"تندرویها" و "تشنج آفرینی ها"ی آن گرفته شود.ازاین نقطه است که جمهوری اسلامی با یکرشته معطلات وفشارها روبرو میگردد. ازجمهوری اسلامی خواسته میشود که به تروریسم بین المللی پایان بخشد . از سازماندهی وحمایت نظامی ومالی جنبش های اسلامی دست بردارد وفتوای قتل سلمان رشدی را ملغی سازد . مقارن همین ایام است که تعدادی ازکشورهای اروپائی سفرای خودراازایران فرامیخوانندوسطح روابط سیاسی واقتصادی راباجمهوری اسلامی کاهش میدهند. معهذادرهمین شرایط دو عامل بنفع جمهوری اسلامی عمل میکرد:

اولا - جمهوریخواهان آمریکائی که درراس قدرت قرارداشتند ، برغم برخی سرکشی های جمهوری اسلامی ، از این رژیم بخاطرتمایلات شدیدا ارتجاعی ضدکمونیستی وضددمکراتیک حمایت میکردندوتزتقویت جناح باصطلاح " اصلاح طلب" و "پرآگماتیست" دردستور کار قرارگرفت که " تندروی "های پان اسلامیستی رامهارکند . ثانیا- وقوع جنگ خلیج و کرنش رژیم در برابر آمریکا درکوتاه مدت بنفع جمهوری اسلامی تمام شد واین تزدردستور کار امپریالیستها قرارگرفت که باید جمهوری اسلامی رادربرابررژیم عراق تقویت کرد . هرچند که این سیاست در جریان جنگ .دولتهای ایران وعراق هم تاحدودی اعمال میشد. بهرحال این دوره چندان بطول نیانجامید. بقدرت رسیدن مجدد دمکراتها در آمریکا اوضاع بین‌المللی رژیم رابازهم وخیم ترساخت وعوامل مساعدی راکه هنوز ازآن برخوردارربود تغییر داد. باآغاز زمامداری کلینتون بردامنه فشارهای بین المللی به جمهوری اسلامی افزوده شد. گذشته ازمجموعه تحولات سیاسی بین المللی که تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی را ایجاب میکرد، اختلافات وتضادهای حزب دمکرات آمریکا باجمهوری اسلامی رژیم جمهوری اسلامی رابیش از پیش در مخمصه و دردسرقرارداد. این اختلافات بعضا اختلافات دیرینه وکشمکش هائی است که که از دوران کارتر وجود داشته وبعضا نیز اختلافات سیاسی مشخص است .

دمکراتهامسئله گروگانگیری دیپلماتهای آمریکاتوسط جمهوری اسلامی وساخت وپاخت بعدی آنرابا جمهوریخواهان برسراین مسئله که‌بر شکست آنهادرانتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذارد فراموش نکرده وبهرحال میخواهند ازاین بابت گوشمالی به جمهوری اسلامی بدهند. سوای این مسئله اختلافات سیاسی مشخص نیزدراین مورد عمل میکند. تردیدی نیست که در ماهیت امر تفاوت اساسی میان دوحزب دمکرات وجمهوریخواه آمریکا که منافع جناحهای مختلف بورژوازی انحصاری رانمایندگی میکنند وجود ندارد. معهذا اختلاف در تاکتیک میان این دوحزب وجوددارد وازجمله دمکراتها تاکتیکهای باصطلاح لیبرالی راجاشنی سیاستهای خودمیکنند. ازاینرودرعرصه بین المللی میکوشند که خودراجانبدار دولتهای پارلمانی ورژیمهائی نشان دهندکه آزادی های بورژوائی رادر محدوده ای رعایت میکنند. برهمین مبناست که در تبلیغات خودبرمسئله حقوق بشر تأکید میکنند. ازاین زاویه آنها باجمهوری اسلامی که یکی از مستبدترین رژیم های عصرحاضر است اختلاف مشخص دارند. درعین حال آنهابا تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ونیزتلاش آن برای سازماندهی وهدایت جنبشهای اسلامی علیه رژیم های منطقه بشدت مخالفند. لذافشارهای متعددی رابه آن آغازنموده ودر تلاش اند تاحدممکن آنرادر عرصه بین المللی منفردسازند. درعین حال آنها فعلا سیاست جمهوریخواهان راکه تقویت سیاسی ونظامی جمهوری اسلامی در برابرعراق بود کنارگذارده وسیاست تضعیف ومحدودکردن هردورادرپیش گرفته اند. بهررو حدت اختلافات اکنون به مرحله ای رسیده است که چندی پیش وزیر امور خارجه آمریکا دست به یکی ازکم سابقه ترین موضع گیریها که‌درعرف دیپلماتیک کمتر سابقه دارد زد و جمهوری اسلامی رایک یاغی بین المللی نامید.توام بااین موضعگیریها وتغییرسیاستهاست که دولت آمریکا کشورهای اروپائی و ژاپن رانیزتحت فشار قرار داده که مناسبات اقتصادی خودرا باجمهوری اسلامی محدود کنندوازفروش سلاحهای پیشرفته ومحصولات وتکنیکهائی که میتواند موردبهره برداری درامور نظامی قرارگیردخودداری نمایند. هدف آمریکا ازاین اقدام نیز واردآوردن فشارهای‌بیشتری‌به جمهوری‌اسلامی‌است . جنبه دیگر سیاست اعمال فشاردولت آمریکا جانبداری آن از بلوک بندیهای ضد جمهوری اسلامی در شمال آفریقا وحوزه خلیج فارس است .

پشتیبانی جمهوری اسلامی از جنبشهای پان اسلامیست درالجزایر ومصر، حمایت مادی و تسلیحاتی ازاین جریانات وآموزش نظامی گروههای تروریست حزب الهی ، مناسبات جمهوری اسلامی رابارژیم های مصرو الجزایر بشدت تیره کرده است .این تیرگی روابط بمرحله ای رسیده که هم اکنون مدتهاست که روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی باالجزایر که زمانی

محاکمه جلال الدین فارسی وجایگاه قانون در حکومت اسلامی

نموده وقانون موجود دراین زمینه را به راحتی نقض میکند ودرحدیک نمونه درواقع امر جایگاه قانون درحکومت اسلامی رانیز بخشا روشن میسازد. البته این مسأله روشن است که قانون درجوامع طبقاتی چه نقش ووظیفه ای دارد. قانون چیزی جز بیان منسجم اراده طبقات دارا وثروتمند نیست .اگر جامعه سرمایه داریست ، قوانین آنهم ترجمان منافع واراده طبقه سرمایه‌داراست . قانون درچارچوب منافع طبقه ای که به لحاظ اقتصادی بر جامعه مسلط است وضع میشود ووظیفه آن درواقع امرنگهبانی ازمناسبات سرمایه‌داری است . قانون این مناسبات راتوجیه میکند تا حریم مقدس مالکیت خصوصی محفوظ بماند. این خصوصیت کلی قوانین درهمه جوامع سرمایه داری ومنجمله جامعه سرمایه داری ایران است معهذا قانون درحکومت اسلامی از وضع تااجرای آن از خصوصیات دیگری هم برخوردار است . دراینجا اولا برراس دستگاه قانون گذاری ارگان ویژه‌ای متشکل ازکارشناسان امور فقهی ودینی بنام شورای نگهبان وجوددارکه نه فقط مواظب است جوهر قوانین بااصلی ترین ومهمترین وظیفه آن یعنی حفاظت ازمالکیت خصوصی کمترین زاویه ای نداشته باشد، بلکه همچنین مراقب است که در جزء جزء این قوانین تباینی بامسائل شرعی وفقهی بوجودنیاید. یعنی اینکه قانون درجمهوری اسلامی یکبار درکلیت آن بایستی بیان اراده طبقات مسلط وتوجیه گر انقیاد توده‌های زحمتکش واستثمار شونده باشد وباردیگر توسط شورای نگهبان مثله شود تا بتواند تمام جهل وکهنه پرستی حکومت اسلامی راانعکاس دهد ولزوما این انقیاد را تشدید کند.

اما تمام مطلب به همین جا ختم نمیشود. در حکومت اسلامی فقط اعضای شورای نگهبان نیستند که کارشناس امورفقهی ودینی هستند ، صدها وهزارها روحانی از آیت الله گرفته تامجتهد وحجت الاسلام ونظیر آن وجوددارکه بدرجاتی ازاین خصوصیات برخوردارند وخودتصمیم میگیرند. یکی از ویژ گیهای اصلی ساختار حکومت اسلامی همین آنارشی آن است . فلان آیت الله مقلدین خاص خودش رادارد،دفترودستک خاص خودش رادارد،منابع مالی ودرآمد ومخارج خاص خودش رادارد،مطابق برداشتهای خاص خودش ازامور فقهی،حرف میزند وعمل میکند. درسطوح دیگر نیز بهمین شکل فلان امام جمعه و حجت الاسلام نیز مطابق استنباط ها وبرداشتهای خود ازامور فقهی، حرف میزنند وعمل میکنند. اگراین واقعیت رادر نظربگیریم که اکنون روحانیت برتمامی ارکان جامعه چنگ انداخته وسلطه خویش رااعمال میکند ودرکلیه امور مربوط به اداره جامعه وحکومت چه قانون گذاری وچه اجرائی وقضائی اعمال نفوذ وتصمیم گیری میکند، آنوقت میتوان مجسم کرد که برپایه استنباط های متفاوت چه بلبشوئی دراین مجموعه میتواندایجادشود. دراینجا هرروحانی وحجت الاسلامی که خودرا کارشناس امورفقهی احساس کندمطابق استنباط شخصی خود نیز عمل میکندحال‌اگر این روحانی باید مجری یک قانون فرضی هم باشد، چنانچه تشخیص بدهداین قانون بامسائل شرعی وفقهی همخوانی ندارد به‌سادگی آنرا نقض میکند. بنابراین دراینجا نیزقانون یکباردیگر مطابق امیال واستنباط های فقهی مسئولین وگردانندگان حکومت اسلامی تعبیروتفسیر میشود وچنانچه خلاف شرع تشخیص داده شد کلا زیر پا گذاشته میشود . جریان محاکمه جلال الدین فارسی‌وسخنانی که رئیس محکمه درداگاه مربوطه عنوان کرد به بهترین نحوی این موضوع رانشان میدهد. دراینجا عین سخنان آن رئیس دادگاه رامی‌آوریم تاجایگاه قانون هم درحکومت اسلامی بهتر روشن شود. اماقبل ازاینکه به ذکر این نمونه مشخص بپردازیم لازم است به یک نکته مهم دیگر نیزاشاره کنیم . نکته ای که بلاشک بماکمک خواهدکرد تاجایگاه قوانین درحکومت اسلامی رابهتر بشناسیم . حکومت اسلامی بر محور ولایت فقیه میچرخد یعنی کسیکه درراس امور قراردارد ازولایت مطلقه وهمه گونه اختیاری برخورداراست . همه افراد ودستگاههای حکومتی منجمله دستگاه قانون گذاری بایستی تابع اراده وی باشند. شخص " ولی فقیه " نه فقط ازاین حق برخورداراست هرلحظه که بخواهد هرقانونی رالغو ویانقض نماید بلکه میتواند تمام دستگاه قانون گذاری را نیز منحل کند!

واما آن نمونه مشخصی که دررابطه باقتل یک فرد بحث هایش به روزنامه های رژیم هم کشیده شد. قتل یک فردالبته در رژیم جمهوری اسلامی بخودی خود آنقدر ها مهم نبود که اینموضوع به روزنامه ها هم کشیده شود. درسراسر کشور هرروزه افراد زیادی بقتل میرسندویاکشته میشوندکه حتی درصفحه حوادث روزنامه ها هم انعکاس نمییابد . موضوع ازآن جهت اهمیت پیدا میکند که اولا اینبار متهم بقتل یکی ازافرادرشناس وابسته به رژیم است وکسی است که درنخستین دوره ریاست جمهوری ازطرف حزب جمهوری اسلامی بعنوان کاندید معرفی شده بود ودر همین رابطه است که اقشار زیادی ازمردم روی عکس العمل رژیم ومنجمله عکس العمل دستگاه حقوقی وقضائی حساس شده وموضوع راتعقیب میکردند. دوما هنگامی که جلال الدین فارسی باسپردن وثیقه برخلاف قوانین جاری آزاد شد، این موضوع حادتروحساس ترشد خصوصا آنکه همسرمقتول نیزبه این مسأله اعتراض نمود وخلاصه موضوع به روزنامه ها نیز کشیده شد وبالاخره بعدازمدتها، درنخستین اجلاس محاکمه فارسی، رئیس محکمه رازآزاد کردن متهم بقتل عمد رافاش ساخت . وی ضمن انتقاداز روزنامه هائی که راجع به این مسأله با"بی پروائی" مطابق سلیقه خود و" جو جامعه قلمفرسائی" کرده اند، درمورد اصل مسأله چنین اظهارداشت . "آزادی آقای فارسی متهم به قتل عمد این پرونده طبعا برای خیلی ازمردم شریف ماجای سؤال بود. علت اینکه جای سؤال شده اینست که آنچه غالبا به عنوان جریان ونظام قضائی خودمان ورژیم سابق دیدیم نگهداری متهمین به قتل عمدی در بازداشتگاه‌تاصدور حکم است چون بصورت اکثر، یک چنین جریانی دررژیم سابق حاکم بوده که متهم بقتل عمد قبل از محاکمه وروشن شدن پرونده درزندان بماند" جناب حجت الاسلام عروجی رئیس دادگاه ، تااینجا به این مسأله اعتراف میکند که مطابق قانون، متهم به قتل عمد راتا صدور حکم نبایدرهاکرد، آنگاه‌بااشاره به استنباط های خود میگوید" من هر متهم به قتل عمدی راآزاد میکنم من هرکجا بین وبین الله احراز کنم متهم فرارنمیکند، تبانی نمیکند،دلائل رامحو نمیکند به ضرس قاطع آزاد میکنم ولوبرخلاف جریان حاکم باشد. آزادمیکنم فقط به استناد توجیه فقهی که زمانی میتوان کسی رازندان کرد، حال این آزادی ولوبرخلاف قانون باشد" وی درادامه سخنانش بازهم درمورد قوانین بطور کلی به اظهارنظر میپردازد و میگوید:"...این قانون فرض کنیم که حاکم باشد وواجب باشدولی میبینیم یک قانون برخلاف نظرمجتهدین ماباشد من یک چنین قانونی رامخالف میبینم وعمل کردن بآن رامن هرگز رعایت نمیکنم . من نمیتوانم یک بند ازاین قانون را رعایت کنم " (سلام - ۸ خرداد ۷۲) این نقل قولها آشکارا اعترافی است بر بی قانونی ها واجحافها، اعتراف به این مسأله است که هرآینه منافع حکومت اسلامی ایجاب کند برپایه همین بی‌قانونیها وتوجیه تراشیهای شرعی دست به هراقدام جنایتکارانه‌ای میزند، همانگونه که تاکنون نیز

۵ ◄

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی

رژیم قادربه مهارتورم نیست

بهای بسیاری از کالاهاوخدمات ، سی، چهل، پنجاه درصد ودرپاره ای موارد بیش از این افزایش یافته است . گذشته ازروند تدریجی افزایش قیمت عموم کالاها،بهای برخی کالاها وخدمات جهش وارافزایش میبابد.طی مدتی کوتاه قیمت موادشوینده وپاک کننده به دوبرابر افزایش یافت .تخم مرغ باافزایشی معادل ۴۰ درصد درخردادماه شانه ای ۲۴۰۰ تا ۲۷۰۰ ریال بفروش رسید . قیمت روغن نباتی ۳۵ درصد افزایش یافت بربهای چای طی دوهفته ۳۰ درصد افزوده شد ودرنخستین هفته خردادماه بهای شیرخشک ۹/۶ درصد و ماست ۶/۷ درصد افزایش یافت . بهای کالاهای دیگر نیزکمابیش بهمین نسبت افزایش یافت .این افزایش قیمت کالاها دراواخر اردیبهشت ماه درحالی‌صورت گرفت که پیش ازآن قیمت انواع وسائل خانگی، خدمات پستی وبلیط وسائل نقلیه وغیره افزایش یافته بود .

این افزایش حیرت آور وسریع قیمت کالاها طی سه ماه درشرایطی صورت میگیرد که افزایش ناچیز دستمزدها وحقوق ها دراول سال جاری حتی جبران کننده نیمی از فشارهای تورمی نیست وباتوجه باینکه قیمت کالاها همچنان درحال افزایش است ونرخ تورم طی ماههای آینده نیز افزوده خواهدشد،سطح زندگی توده مردم درسال جاری بنحوهولناکی سقوط خواهد کرد. مردم دیگر حتی قادرنیستند با انجام دوروز کاردریکروز زندگی خود را تأمین کنند ولاجرم بردامنه وابعاد فقروتهیدستی‌توده‌های زحمتکش افزوده خواهد شد. سران رژیم که درنتیجه سیاستهای ارتجاعی خوداینچنین مردم رابخاک سیاه نشانده اند درقبال این افزایش روزافزون وبی رویه قیمت ها چه پاسخی بمردم میدهند؟ چندین سال مداوم است که آنها ازاین سال به آن سال وعده مهار تورم رامیدهند. رفسنجانی که قراربود درپایان دوره اول ریاست جمهوری‌اش نرخ رشد تورم را به کمتر از ده درصد تقلیل دهد اکنون تورمی بانرخ متجاوز از ۴۰ و ۵۰ درصدرا بمردم تحمیل کرده است . واین نتیجه سیاستی است که گویا میخواست بهبود اوضاع اقتصادی رابه قیمت فلاکت هرچه بیشتر توده‌ها وبرکردن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران داخلی وبین المللی بدست آورد ونخه های اسارتبار وفلاکت بار نهادهای امپریالیستی امثال صندوق بین المللی پول وبانک جهانی را درایران پیاده کرد. امروزهم نه ازبهبود اوضاع اقتصادی خبری هست ونه از رشد واشتغال بلکه بالعکس رکود باتورمی کمرشکن توام شده وروزگار مردم راسیاه کرده است . امااین مرتجعین نه تنها خودرامسئول این وضعیت اسف بار نمیدانند بلکه گویا چیزی هم ازمردم طلبکارند.این عوامفریبان درحالیکه درزمینه اقتصادی دقیقا پاجای پای رژیم شاه گذارده وادامه دهنده برنامه های اقتصادی اوشده اند. پس از گذشت حدود ۱۵ سال از سرنگونی رژیم شاه، بجای پاسخگوئی بمردم وبرای توجیه کثافت کاری های خود که به خرابی روزافزون اوضاع اقتصادی انجامیده است ، هنوز خرابی اوضاع اقتصادی رانائی از خرابیهای برجای مانده ازدوران رژیم سلطنتی میدانند وتازه پس از گذشت پانزده سال بمردم میگویند که باید فشارهائی بیش از این راتحمل کنند تادرآینده اوضاع روبراه شود. آیا ۱۵ سال وقت کمی است که مرتجعین سالهائی بیش از آنرا میخواهند.براستی اگر بجای مرتجعینی که درپی سرنگونی رژیم سلطنتی درایران بقدرت رسیدند،یک حکومت انقلابی قدرت رادردست میگرفت ، امروزه ایران یک کشور پیشرفته بودکه مردم درآن دررفاه وخوشبختی بسر میبردند. اماحکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها حتی یک گام ناچیز درجهت بهبود اوضاع مملکت ومردم برنداشت بلکه چنان اوضاع وخیمی رابمردم تحمیل نمود که بمراتب اسف بارترازدوران رژیم شاه است . وتازه آنچه که برای این حکومت ایده آل است دست یابی به وضعیت اقتصادی دوران رژیم شاه میباشد. وآنهم بافشارهای هرچه بیشتر بمردم ووعده های پادرهوا مبنی بر اینکه درپایان برنامه دوم اوضاع بهترخواهدشد.بااین همه وقاحت این رژیم حدومرز نمیشناسد . رفسنجانی درهر نطق وخطابه‌اش بگونه‌ای برخورد میکند که گویا چیزی هم ازمردم طلبکاراست . ادعا میکندکه مردم مشکلی ندارند ومهمتر اینکه باید سپاسگزار دولت باشند که در هرسال میلیاردها دلارمفت ومجانی برای رفاه مردم هزینه میکنداوآخوندابلهی مثل جنتی ادعا میکند که در گذشته ارزانی کاذب وجودداشته وتازه بااین افزایش سرسام آورقیمت کالاهاست که این ارزانی کاذب ازبین میرود و قیمتهای واقعی براجناس وضع میگردد.

بله ! این آقایان که سالانه میلیونها تومان از حاصل دسترنج کارگران وزحمتکشان رابجیب میزنند و ثروت کشور رابه یغما میبرند وازنظر آنها تفاوت چندانی میان ۷ و ۷۰ و۷۰۰ وجود ندارد باید هم ازارزانی کاذب سخن بگویند. پول فراوان و احتناس فراوان برای این آقایان آماده ومهیاست . حتی زحمت خرید کالا راهم بخود نمیدهند. اینها چه میفهمند که افزایش حتی یک درصد قیمت کالابرای خانواده ای که درآمد ماهیانه آن کمتر از ده‌هزار یاحتی بیست هزارتومان است چه معنائی دارد وچگونه آنهاراز تأمین‌حداقل معیشت محروم میسازد. امثال این ابله حتی درسطح متخصصین اقتصادی رژیم که قیمت برخی کالاها رادر ایران باقیمت همین کالاها به نرخ شناور درکشورهای اروپائی مقایسه میکنند وازارزانی کالاها سخن میگویند، یک واقعیت خیلی روشن راندیده میگیرند وآن اینست که برمبنای همین محاسبه حداقل حقوق ودستمزد درکشورهای اروپائی ماهانه رقمی درحدود دویست هزارتومان وحتی بیش ازاین است . بگذریم از امکانات مختلف مربوط به تأمین اجتماعی وسوبسیدهائی که به اقشار کم درآمد تعلق میگیرد. امادرایران حداقل دستمزد به ده درصد دستمزد یک کارگر اروپائی هم نمیرسد . تحت چنین شرایطی مقایسه قیمت کالاها در ایران بایک کشور اروپائی وازارزانی کالاها سخن گفتن قیاس مع الفارق است وتنها بیانگر عوامفریبی سران حکومت میباشد. رژیم بااین اراجیف نمیتواند مردم راآرام کند وبر ورشکستگی سیاستهای اقتصادی خود سرپوش بگذارد. مسئول این وضعیت فلاکت بار مردم،جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آنست .این رژیم نمیتواند قدمی درجهت بهبود اوضاع بردارد. این رژیم قادرنیست تورم رامهار کند بلکه روزبروز آنرا افزایش میدهد. مهاراین تورم ونجات توده مردم ازفلاکت موجود دگرگونی اساسی اقتصاد را میطلبد وباوجود این رژیم چنین دگرگونی امکانپذیرنیست .

محاکمه جلال الدین فارسی و . . .

مرتکب هزاران عمل جنایتکارانه شده است . از آنجمله است شکنجه زندانیان سیاسی،ازآنجمله است تجاوز به زنان زندانی وبعد اعدام آنها، از آنجمله است محاکمات قلابی وچند دقیقه ای ،ازآنجمله است کشتارجمعی هزاران زندانی سیاسی در ظرف چند روزو...آری بااین نقل قولها که دیگر جائی برای تفسیر باقی نمیگذارد، به سهولت میتوان جایگاه قانون در حکومت اسلامی رادریافت .

کنفرانس جهانی حقوق بشر،هیاهوی بسیار برای هیچ !

این کنفرانس پرزرق وبرق که درمجموع باشرکت حدود ۵ هزار نماینده رسمی وغیررسمی ،دولتی و غیردولتی برگزارشد،ازروزبیست و چهارم خردادماه آغازبکارکرد. دوروز قبل ازبرگزاری جلسات رسمی، نمایندگان هزارسازمان غیر دولتی حقوق بشر تشکیل جلسه دادندتابرسر پیشنهادات مشخص برای ارائه به کنفرانس رسمی به توافق برسند. دراین اجلاس طیف ناهمگونی از سازمانهای حقوق بشراز"بنیادبزرگ حقوق بشرکارتر"تاسازمان عفوبین المللی وسازمانهای غیردولتی حقوق بشر آمریکای لاتین ،آسیا وآفریقا شرکت داشتند. دراین اجلاس هنگامیکه کارتررئیس جمهور پیشین آمریکا ورئیس امروز " بنیاد بزرگ حقوق بشر کارتر" برای سخنرانی بالای تریبون رفت ، بااعتراض بسیاری ازنمایندگان ازجمله نمایندگان سازمانهای غیر دولتی حقوق بشر آمریکای لاتین مواجه شد. دربیرون سالن نیز هزاران تظاهرکننده شعار میدادند:" کارتربه خانه ات برگرد، دفاع ازحقوق بشر کارتو نیست ". اجتماع سازمانهای غیردولتی حقوق بشر باچنین ترکیب متلون ودرچنین فضای پرتنشی سرانجام به کارخود پایان داد وشرکت کنندگان درآن توافق نمودند ازجمله موارد زیر رابه کنفرانس رسمی توصیه نمایند: تشکیل یک کمیساریای عالی حقوق بشر درسازمان ملل متحد، ایجادیک دادگاه جنائی برای پیگرد نقض فاحش حقوق بشر وتعیین یک بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای رسیدگی به اعمال قهرعلیه زنان وتبعیض جنسی ونیزتعیین مکانیسم هائی برای حمایت ازکودکان. اجلاس برجهانشمول بودن حقوق بشر نیزتاکید نمود.

جلسه رسمی کنفرانس کارخودرا باشرکت نمایندگان دولتها و سازمانهای غیردولتی آغازکرد. دراین جلسه بطروس غالی دبیرکل سازمان ملل طی نطقی به تشریح اهمیت حقوق بشر بعنوان یکی از برنامه های اصلی سازمان ملل پرداخت وگفت حقوق بشر درکنارصلح، امنیت وتوسعه درراس برنامه های سازمان ملل قراردارد. سپس نمایندگان دولتهابه تشریح دیدگاههای خود ازمسئله حقوق بشر پرداختند. پیشنهادهای اجلاس سازمانهای غیردولتی مبنی برایجاد کمیساریای عالی حقوق بشردرسازمان ملل ودادگاه جنائی برای پیگرد نقض حقوق بشر بامخالفت بسیاری از نمایندگان دولتهابویژه نمایندگان دول اسلامی ودرراس آنان جمهوری اسلامی ایران روبروشد. براثراختلاف نظرات وهرج ومرج موجود، کار کنفرانس عملا به بحث حول وضعیت زنان وکودکان محدود شد.

دررابطه باموضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کنفرانس ، بردو جنبه ازاین موضعگیری بایدتاکید کرد. نخست اینکه حکومت اسلامی بنابر انزوای شدید بین المللی ومحکومیت های پی درپی بعلت نقض حقوق فردی واجتماعی مردم ایران،فعالیت تبلیغی گسترده ای راسازمان دادکه وانمودکند حقوق بشردرایران رعایت میشودتابلکه اندکی ازفشارهای بین المللی بکاهد. درهمین راستا چندهفته قبل از کنفرانس ، اعلام شدکه درایران نخستین کمیته دفاع ازحقوق بشر که مستقل وغیردولتی است تشکیل شده است .رجائی خراسانی ،نماینده پیشین جمهوری اسلامی درسازمان ملل ونماینده فعلی مجلس ارتجاع که اکنون ریاست کمیته حقوق بشر " مستقل " رابرعهده دارد اعلام نمود این کمیته بمنظور "نظارت برحسن اجرای ضوابط حقوق بشر درداخل وخارج کشور ایجادشده است " و هرایرانی که سوء سابقه نداشته باشد، میتواندبه عضویت این کمیته درآید. وی افزود کمیته فوق بازدید اززندانهای کشور راجزء نخستین برنامه های خود قرار داده است . همچنین حجت الاسلام شوشتری وزیر دادگستری طی مصاحبه‌ای اعلام نمود " باید بگویم که درکشور ما درهمه زمینه ها ودرهمه ابعاد حقوق بشر به نحواحسن اجرامیشود وقانون اساسی مابه عنوان یکی از مترقی ترین قوانین درهمه زمینه ها حقوق انسانی راپیش بینی کرده وامروز ماکاملترین قانون حافظ حقوق‌بشررادرکشورداریم " وی درادامه مدعی شد که " خوشبختانه درکشور زندانی سیاسی نداریم"

مسئله دیگر اینکه در جریان برگزاری کنفرانس جمهوری اسلامی به همراهی بسیاری دیگراز کشورهای مسلمان ،براین مسئله پای می فشردند که حقوق بشر رانمیتوان به عنوان مفهومی عام و جهانشمول درنظرگرفت بلکه حقوق بشر درهرکشوری باتوجه به ویژگیهای فرهنگی ومذهبی معناومفهوم پیدا میکند. محمدجوادظریف معاون وزارت خارجه که به نمایندگی ازسوی جمهوری اسلامی درکنفرانس شرکت نموده بود،پارافراتر گذاشته ومدعی شد که اساساحقوق بشر ربطی به توافقات مابین انسانها نداردومسئله ای الهی است . وی درنطق خود ضمن سخنان کشداروبی محتوائی که به آیات متعدد ازقرآن زینت شده بود، سرانجام چنین گفت : "حقوق در منطق الهی از توافقات بشری نشأت نمیگیرد بلکه موهبتی است که خالق به انسان ارزانی داشته "ولایتی وزیرخارجه رژیم نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی تصریح کرد: "اصل قضیه اینست که برخی ازارزشهائی که کشورهای غربی به دنبال اشاعه و جهانی کردن آنهاهستند، از دیدگاه جهان اسلام ضدارزش وباورهای فرهنگی مردم است ".درمجموع جمهوری اسلامی ضمن تاکید برضرورت تعریف حقوق بشربرمبنای تفاوتهای فرهنگی ومذهبی وانتقادبه "غربی بودن " حقوق بشر، باتفاق سایرنمایندگان دول اسلامی ازجمله سوریه، اندونزی، سودان وغیره ، اساس بحث خودرا حمایت از مسلمانان بوسنی هرزگوین قرار دادندوازکنفرانس خواستند باصدور قطعنامه ای سازمان ملل راناگزیر کند تابه تحریم تسلیحاتی بوسنی هرزگوین خاتمه دهد.

بهرجهت دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر بدون اینکه به نتیجه مشخص وملموسی رسیده باشد باصدور قطعنامه کوتاهی به کارخود پایان‌داد. صدوراین قطعنامه کوتاه ، مبهم وکلی که درآن تقریبا هیچ پیشنهاد عملی وجودندارد، نارضایتی بسیاری ازشرکت کنندگان غیردولتی این کنفرانس رابرانگیخت . نمایندگان سازمان عفو بین الملل بخش مربوط به شکنجه را که آنقدر آبکی تنظیم شده تاهیچیک ازدولتهارا برنجاند، " سیلی به گونه بشریت " خواندند. بسیاری ازسازمانهای غیردولتی ازمحدودیتهائی که دولتها برسرمشارکت آنان دربحثها وتنظیم قطعنامه هاایجاد کرده بودند، ابراز نارضایتی نموده وبرخی دراعتراض به مخالفت ازشرکتشان درکمیته تدوین کننده اسنادنهائی کنفرانس ، دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند. تمامی مسائلی که درمتن یادرحاشیه کنفرانس روی دادندوبدون نتیجه ماندن کنفرانس ، دال بربی محتوا ونمایشی بودن کنفرانس هستند. حتی زرق و برق ظاهری کنفرانس ، تعداد کثیرشرکت کنندگان وجلسات متعدد بحث های طولانی نتوانست ، بربی حاصلی آن سرپوش بگذارد. این کنفرانس حتی ازجانب برگزار کنندگانش نیز چندان جدی گرفته نشدو رسانه های گروهی بورژوائی که براحتی قادرند ازکاه کوهی بسازند وروزهای متمادی اذهان عمومی رابمباران تبلیغاتی کنند، چندان بهائی به آن ندادند. این کنفرانس ونتایج آن یکباردیگر به اثبات رساند که‌دیگر ماسک عوامفریبانه حقوق بشرنمیتواند چهره کریه دول بورژوائی رابیاراید. امپریالیسم آمریکا نمیتواند درآن واحدبرخی از حقوق دمکراتیک مردم آمریکا رااز آنان سلب کند. قوانین ضدبشری وکمونیست ستیزانه رادر آشکارترین شکل ممکن درجامعه آمریکا اعمال نماید، درخارج از آمریکا، درآمریکای لاتین ، درآسیا، آفریقا واقعی نقاط جهان توده‌های مردم رابه بند بکشد، کودتاهای نظامی براه بیاندازد،مردم‌بیدفاع سومالی راقتل عام کند،به خلیج فارس لشگرکشی نماید،غیرنظامیان رادرعراق کشتارکندودرعین حال مدافع حقوق بشر باشد وازحقوق انسانی توده های مردم

بازهم وعده وبازهم دروغ

اسلامی دراین هردوزمینه گوی سبقت راازدیگران ربوده است وهمانطور که دربرابر کارگران وزحمتکشان به خشن ترین وخونین ترین سرکوب ها متوسل شده است وروی سیاه ترین وکریه ترین رژیمهای تاریخ راسفیدکرده است ، در زمینه عوامفریبی و دروغپردازی ودادن وعده های توخالی نیز دست همه عوامفریبان ودروغپردازان راازپشت بسته است . البته امروزکمترکسی است که به ماهیت این رژیم پی نبرده باشد واین خصوصیات رانشناخته باشد. توده های زحمتکش مردم ایران درطول حکومت ۱۵ ساله جمهوری اسلامی ، این رژیم را بخوبی شناخته اندوبه تجربه ، توخالی بودن وعده های رنگارنگ مرتجعین حاکم وماهیت فریبکارانه آن را دریافته اند. با وجودآنکه اکنون مدتهاست که چنین سلاحی کارآئی خودراازدست داده است معهذاسران رژیم بنابه ماهیت خود ازاین حربه زنگ زده دست بردار نیستند وگاه وبیگاه بآن متوسل میشوند. یکی ازسرشناس ترین این چهره ها که درامر دروغپردازی ودادن وعده های توخالی یک سروگردن ازدیگر کارگزاران رژیم بلندتراست اکبر هاشمی رفسنجانی است . نامبرده که فقط درطول همین چندسال نخستین دوره ریاست جمهوریش مکرر وعده ها و ادعاهای رنگارنگی بمیان کشیده است ودرهمین فاصله به کرات میان تهی بودن این وعده ها و دروغبافیهایش آشکارشده‌است ، چندی قبل بار دیگردست به عوامفریبی ودروغ پردازی زد. وی که دراجتماع کارگران سخن رانی میکرد یکباردیگر وعده داد که " حقوق کارگران براساس تورم ترمیم خواهدشد"، " حقوق کارگران تأمین خواهد شد " ، " کارگران صاحب خانه خواهندشد"وغیره وغیره ... رفسنجانی افزون براین وعده های سرخرمن همچنین ادعاکردکه " کمبود مسکن ، برخلاف گذشته درکشور وجود ندارد" !(۱)

کارگران وعموم توده های مردم ایران درمورد این وعده های رفسنجانی چگونه قضاوت خواهندکرد ؟ شک آنان درموردابن وعده ها همانطورقضاوت میکنند که درمورد وعده های توخالی پیشین وی قضاوت کرده اند، رفسنجانی وعده داده بود که اوضاع اقتصادی مردم بهبود خواهدیافت ، وعده اصلاحات ورفاه بیشترداده بود ومردم امروز بایک مقایسه ساده اوضاع فعلی وسطح زندگی خود بازمانی که رفسنجانی پشت سرهم وعده میداد، همه چیز رابخوبی در خواهندیافت ودریافته اند. آنان بخاطردارند که همین جناب رفسنجانی برای عملی کردن سیاست های خود ، در اواخرسال ۷۱ مکرربه مردم وعده واطمینان میدادکه با تک نرخی شدن نرخ ارز قیمت ها افزایش نخواهد یافت ! وهمه کان دیدند که برسر قیمت ها چه آمد ! بنابراین مردم وبویژه کارگران درمورد این حرفهای صدتایک غاز جناب رفسنجانی قضاوت خود را کرده اند وبازهم خواهندکرد .

رفسنجانی طی‌سخنان‌خود ، علاوه بردادن این وعده ها ، به یک نکته دیگر هم اشاره کرد، نامبرده ادعا نمود که درکشور کمبود مسکن وجود ندارد اودر واقع خواست بگوید که اگر درگذشته مشکلاتی بخاطرمسکن و کمبودآن وجودداشته امروز این مشکلات برطرف گشته است !! اگر چه زمان این اظهارات اردیبهشت ۷۲ وقبل ازبرگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود، بااینهمه نباید آنرا صرفا بحساب تبلیغات ووعده های معمول پیش از انتخابات گذاشت بلکه چنین عوامفریبی ها ودروغ های بزرگ بیش ازآنکه به چنین موضوعی برگردد، اساسا به پرروئی ووقاحت بیش از حد خاص ایشان برمیگردد. آخوند رفسنجانی هرزمان که با اعتراضات ومطالبات جدی کارگران وحرکات اعتراضی توده ای منجمله بخاطر همین مشکل مسکن روبرو شده ، سرکوب مستقیم اعتراض کنندگان راتجویز نموده است وزمانی دیگر برای پیش گیری از این اعتراضات ومبارزات آشکار باوعده ودروغ به تحمیق وفریب روی آورده است ، اکنون آنقدر دراین لاف زنی ودروغ پردازی غرق شده که حتی آمارو ارقام رسمی وسخنان کارگزاران خوددراین مورد راز یادبرده است .

■ از زبان آمار

مطابق آمار وارقام ارائه شده از سوی منابع رسمی رژیم ، موجودی مسکن درسطح کل کشور درسال ۶۳ رقمی برابر۶/۷۸۰/۰۰۰ واحدودرهمان سال تعدادخانوار۸/۶۰۰/۰۰۰ عنوان شده است .(البته براساس سرشماری سال ۵۵ ونه ۸ سال بعدازآن یعنی سال ۶۳ که یقینا تعدادخانوارها افزایش یافته است). همانطورکه ملاحظه میشود،اگربرای هریک خانوار،یک واحد مسکونی درنظربگیریم ،درسال ۶۳، تعداد ۱/۸۲۰/۰۰۰ واحدمسکونی کمبودوجودداشته است . حال ببینیم جمهوری اسلامی طی این سالها دراین زمینه چه کرده ومسئولینی که بطور مستقیم بااین مسأله سروکارداشته اند دراینمورد چه میگویند.

کارنامه رژیم درسالهای جنگ باعراق روشن ترازآن است که بخواهیم بآن نگاه کنیم . بنابراین در اینجا عامدا اظهارات دست اندرکاران رژیم رابعدازجنگ ودر دوره‌ریاست جمهوری رفسنجانی که رژیم بعنوان دوران شاهکارهاوتوفیقات خود ازآن یادمیکند موردبررسی قرارمیدهیم. وزیر مسکن وشهرسازی درزمینه تولید واحدهای مسکونی چنین میگوید " در چهارسال گذشته بطورمتوالی ۱۲۰ هزار واحدمسکونی بصورت انبوه سازی در دست اجراء بوده وهرسال بین ۴۰ تا ۵۰ هزار واحد مسکونی ازاین تعداد بدست مردم میرسد "(۲) وی درجای دیگری میگوید" طی سال جاری ۱۰ هزار واحدمسکونی درسطح کشورایجاد میشود...ازمجموع ۱۰ هزارواحدمذکور مراحل اجرائی طرح ۵ هزار واحد شروع شده است " (۳) اگر از تناقض گوئی وابهام موجود درسخنان آقای وزیر واینکه امسال فقط ده هزار واحد مسکونی درسطح کل کشور ایجاد خواهدشد ولی در چهار سال گذشته هرساله ۱۲۰ هزارواحدمسکونی دردست اجراء بوده و ۵۰ هزار واحد بدست " مردم " رسیده است درگذریم وکاری هم به این نداشته باشیم که برسر آن ۷۰ هزار واحددیگر چه آمده است ،و خلاصه آنکه همان تولید حداکثر یعنی ادعای ۱۲۰ هزار واحدمسکونی درسال رادرنظربگیریم ، دراینصورت طی چهارسال گذشته ۴۸۰/۰۰۰ واحدمسکونی تولیدشده است وبازاگر فرض کنیم که سالهای قبل ازآن نیز همین میزان تولیدشده باشد - البته ناگفته روشن است که باتوجه به شرایط اقتصادی رژیم درزمان‌جنگ واختصاص بخش اعظم بودجه بآن چنین فرضی محال است ، اما بهر حال فرض محال که محال نیست - دراینصورت مجموعه تولید مسکن طی ۸ ساله ۶۳ الی ۷۱ جمعا ۹۶۰/۰۰۰ واحدبوده است . بنابراین اگر درپایان سال ۷۱ میزان جمعیت و تعدادخانوارها هم درحد همان سال مبدا باقیمانده بود،دراینصورت بازهم (۸۶۰۰۰۰ - ۹۶۰۰۰۰ = ۱۸۲۰۰۰۰) واحدمسکونی کسری وجود میداشت حال آنکه خوب میدانیم جمعیت کشورمطابق آخرین آماررسمی به حدود ۵۸ میلیون رسیده است واگرهرخانواری را بطور متوسط ۵ نفردرنظربگیریم ، تعداد خانوارها از ۸/۶۰۰/۰۰۰ درسال ۶۳ به ۱۱/۶۰۰/۰۰۰ درسال ۷۱ افزایش یافته است . این بدانمعناست که درتمام این سالها نه فقط به میزان خانوارهای فاقد مسکن در سال ۶۳ مسکن تولید نشده است ، بلکه طی این مدت سه میلیون خانواردیگر هم مشمول این بی مسکنی شده اند !

باید درنظرداشت که آندسته ازکارگزاران رژیم که نسبت به مسأله مسکن مسئولیت مستقیم تری دارند ودریک محدوده ای هم مشکلات مربوطه را شنیده اند، بخود جرات نمیدهند مانند آقای رفسنجانی این مشکلات ومسأله کمبودمسکن رابکلی انکارکنند . آنهادرنهایت باارائه آمار وارقامی چندبه نفع رژیم تبلیغ میکنند ومیخواهندنتایج مطلوب خود را بگیرند وبگویند که تحت مسئولیت آنهاچه کارهائی انجام شده است . بااینوجود همین ارقام هم که یقینا صدهابارنه نفع رژیم دست کاری شده اند،برخلاف ادعاهای رفسنجانی شهادت میدهند. مثلاوزیرتعاون رژیم ادعا میکند که طی سال گذشته ۹ میلیون مترمربع زمین به تعاونی های مسکن واگذارشده است (۴) معاون وی

◄

میگوید " دربعد ازانقلاب توسط تعاونیهای مسکن ۲۲۰ هزارواحد مسکونی احداث شده و۱۶۰ هزارواحددیگر درحال احداث است"(۵)وی همچنین تعداد کل اعضاء تعاونی های مسکن را یک میلیون نفر قیدمیکند. درموردا ینکه زمینها تحت چه شرایطی وبه چه کسانی واگذارشده ومیشود جلوتر صحبت خواهیم کرد دراینجا مسأله ای که بلافاصله بایستی روی آن انگشت گذاشت ،اوضاع تعاونیهای مسکن وواحدهای مسکونی احداث شده توسط آنهاست ، موضوعی که درآمارسرودست شکسته ارائه شده از طرف وزیرتعاون هم انعکاس یافته است .نگاهی ولوگذرا به این آمارواقعام کافیست تاکذب مکررادعای رفسنجانی ثابت شود. مطابق اظهارات وزیر تعاونیهای مسکن ، جمهوری اسلامی نه در طول چهارساله ریاست جمهوری رفسنجانی بلکه درطول تمام دوره ۱۴ ساله حکومت خودتوانسته است فقط ۲۲۰ هزارواحدمسکونی یعنی‌کمتراز $\frac{1}{4}$ تعداد مورد تقاضا از این طریق احداث کند. حال بفرض آنکه این تعداد واحدهای مسکونی دراختیاراعضاء تعاونی هم قرارگرفته باشد معهذا هنوز باندازه ۷۸۰ هزارواحددیگرکسری وجوددارد.این به چه‌معناست ؟ این بمعنای آن است‌که بفرض ثابت ماندن تعداد تعاونیهای مسکن واعضاء آنها وبفرض آنکه تولید واحدهای مسکونی به همان روال قبلی ادامه داشته باشد، درآنصورت حدود نیم قرن بعد وبطور دقیق ۴۹ سال دیگر به تعداد تمام اعضاء تعاونیهای مسکن واحد مسکونی هم تولید شده است !

همانطورکه ملاحظه میشود مطابق همین محدود آمار و ارقامی که از طرف کارگزاران رژیم‌ارائه‌شده‌است ، به سادگی میتوان به عدم تناسب مجموعه واحدهای مسکونی احداث شده وخانوارهای فاقدمسکن، بعبارتی به کمبودمسکن پی برد.

■ مساکن احداث شده دراختیار چه کسانی قرارمیگیرد؟

درجمهوری اسلامی که پاسدار نظام سرمایه داری است ، تولیددرعرصه مسکن نیزهمانندتمامی عرصه های دیگر تابع سودآوری آن است . انگیزه اصلی تولیدکنندگان مسکن نه تأمین نیازمندی اولیه مردم،بلکه سودجوئی وچپاول وثروت اندوزی است . اگر درنظر داشته باشیم که بخش اعظم(بیش از ۹۵ درصد) کارهای تولیدواحدهای مسکونی دراختیاربخش خصوصی است ودولت نیزتاآنجاکه امکانات وقدرت مالیش اجازه میدهد، اعتبارات مالی خودرا دراختیاراین بخش قرارمیدهد، آنوقت کاملاروشن میگردد که اولادرکارساختمان سازی وتولید واحدهای مسکونی نیزاین سرمایه داران ودلالان ویک عده بازوبغروش ها هستند که دراین میان سودجوئی میکنند ودرثانی بطورعمده کسانی صاحب مسکن میشوند که قادر باشند ازپس حرص وآز سرمایه داران برآیند. ازسوی دیگر همه تبلیغات ووعده های بیشین دولت درمورد واگذاری زمین واعطای وام به متقاضیان ونظیر آن،عملا دروغین وتوخالی ازکاردرآمده است . معدود کسانی که ازسوی مؤسسات دولتی نظیرسازمان زمین شهری درگذشته زمین دریافت نموده اند، بعلت افزایش سرسام آور قیمت مصالح ساختمانی و نداشتن امکان مالی نتوانسته اند واحدمسکونی برپا دارند. بانک مسکن نیز باوجود آنکه اندوخته بسیاری از مردم راتحت عنوان سپرده ازچنگ آنهادرآورده است ، عملاکسانی راکه بیشترین موجودیها رادربانک دارند میشناسد واگر تسهیلاتی دراین زمینه وجودداشته باشد،بدیهی است که باز هم این پولدارها هستند که از آن استفاده میکنند. عملکردرژیم وبانک مسکن آن نیز تماما برخلاف دروغها ووعده های رفسنجانی گواهی میدهند. ناتوانی رژیم آنقدرروشن است که حتی پاره ای ازکارگزاران حکومتی هم بدان اعتراف میکنند ، بعنوان مثال استاندارفارس‌طی یک‌سخنرانی‌در حضور وزیر مسکن چنین میگوید: " بانک مسکن قولهائی درزمینه پرداخت وام وسپرده های مسکن به مردم داده عمل نکرده ومسئولین این بانک چنانچه نمیتوانند به قولهای خود عمل کنند بهتراست سپرده های مردم را باز گردانند"(۶) معاون وزیر مسکن ومدیرعامل سازمان زمین شهری نیز دراین باره میگوید: "متاسفانه طبق آمارهای موجود درصدبسیارکمی از زمینهای واگذارشده موفق به تهیه جواز ساختمان شده اند که این مساله نشانگر عدم تمکن مالی افراد درساخت مسکن میباشد" (۷) وبالاخره یک دبیرآموزش وپرورش که مدتهاتلاش کرده است ازاین طریق صاحب مسکن شود وسرانجام هم موفق نشده است میگوید" بانک مسکن برخلاف گفته های اولیه خود شرط نداشتن مسکن راحذف کرده است‌وشرط داشتن موجودی بیشتر در بانک را مهمترین عامل خانه دار شدن اعلام کرده است بهمین علت عده ای پولدار با واریزکردن پولهای چند میلیونی برای آپارتمانهای اکباتان درمدت کم صاحب مسکن آنهم به قیمت دولتی شده اند البته این پولدارها همینکه اسمشان جهت واگذاری واحدهای مسکونی اعلام شد اضافه پول خودرا گرفته وسپس میتوانند بافروش آن چندمیلیون سود برده وباردیگر بازی رابابانک مسکن شروع کنند..."(۸)

این نقل قولها آنقدر گویا وواضح است که دیگر جائی برای توضیح وتفسیر باقی نمیگذارد. ازاین نقل قولها بخوبی میتوان به شرایط اعطای وام وچگونگی توزیع واحدهای مسکونی ونیزبه زدوبندها و سودجوئیهای ثروتمندان وسرمایه داران پی برد.

■ از زبان کارگران

این موضوع بخودی خودروشن است که فشارهای ناشی ازتنگنای مسکن، قبل ازهرکس دامن اقشارپائینی وکم درآمد جامعه را میگیرد.کارگران که مجبورندنیروی کارخودرااساسا در شهرها بفروشند،جدی ترین آسیب ها را به لحاظ مادی وروحی متحمل شده و میشوند. شرایط بدونامناسب واحدهای مسکونی،تراکم جمعیت درآنهاوافزایش سرسام آور اجاره خانه هابویژه در چندسال اخیر،اوضاع مسکن رابویژه درشهرهای بزرگ به وخامت بیشتری کشانده وتنگنای مسکن رابه یکی از مشکلات اصلی کارگران مبدل کرده است اغلب کارگران بامشکل مسکن روبرو هستندومجبورند بخش اعظم دستمزد وگاه تمام آنرا بابت اجاره مسکن بپردازند.

البته آقای رفسنجانی - و امثال ایشان - که عجالتا دراماکن راحت ومجلل جاخوش کرده اند ومفت میخورندومفت می چرند ، دغدغه‌ای ازبابت تأمین اجاره خانه وپرداخت بموقع وهرماهه آنرا ندارند وبا نگرانیهای یک کارگر مستأجر به هنگام پایان قرارداداجاره خانه بکلی بیگانه اند وخلاصه معنی بی مسکنی وخوابیدن درپارک وکنارخیابان وسرکردن درآلونک وحلبی آباد رانمی فهمند،بدیهی است که مشکل مسکن وکمبودآن را احساس نکنند وبه خود جرات دهند که حتی درجمع کارگران باوقاحت وپرروئی بگویند که مشکل مسکن وباکمبودمسکن وجودندارد. موضوعی که آنقدربدور ازواقعیت است که حتی ازجانب عناصر کارگری وابسته به رژیم نیز عنوان نشده وحتی خلاف آنرا نیزعنوان میکنند مثلا دبیر اجرائی خانه کارگراستان‌لرستان میگوید" از مسائل ومشکلات مهم کارگران یکی مسئله مسکن است "(۹) و یا رئیس شورای اسلامی کارشرکت برسی گاز میگوید "مشکل اساسی کارگران یکی نداشتن مسکن ودیگری عدم تناسب بین هزینه های زندگی ومیزان حقوق است "(۱۰)

اگرکه دروغهای رفسنجانی حتی برعناصروابسته به رژیم‌درمحیط های کارگری آشکارویی اثراست ،بنابراین موضع کارگران درقبال آن ازروز هم روشن تراست . دراینمورد کارگری از کارخانه چیت ممتازچنین میگوید "شصت سال سن دارم ، عمری کار کرده‌ام ونه تنها مسکنی ازخودندارم بلکه باحقوق ومزاباواضافه کاری بزور تاآخرماه دوام می‌آورم وزن وبچه ام مجبورندبدلیل درآمد اندکم ازحداقل خواسته های خود چشم بپوشند"، امیر پاکدست کارگردیگری ازهمین کارخانه که ۵۸ سال سن دارد عنوان میکند که " سالهاست در مستأجری بسر میبرد وحال که‌عمری رابشت سر گذاشته هنوزفاقد مسکن است " اودرادامه میگوید" اگرسر

بناهی داشتم وضع فرق میکردولی اکنون اجاره مسکن باری سنگین بردوش من است " نامبرده درپاسخ به این سؤال که مگرتعاونی مسکن ندارید؟ میگوید" البته تعاونی مسکن شرکت درسال ۶۹ مبلغ ۲۶۰ هزار تومان جهت تهیه مسکن از مادریافت کرد وقرارشد که درسال ۷۲ خانه های ساخته شده تحویل متقاضیان شود ولی هنوز اززمین خالی‌آن هم‌خبری‌نیست " (۱۱) کارگر دیگری ازکارخانه روغن نباتی ناب میگوید "چگونه میتوانم با ۱۰ هزار تومان حقوقی که دریافت میکنم وتمامی آنرا برای اجاره خانه میپردازم زندگی کنم . حقوق من فقط متعلق به صاحب خانه است ومابقی هزینه زندگی ازقبیل خوراک وپوشاک و...رابایستی بااشتغال درمشاغل کاذب ومخرب به حال جامعه مثل سیگارفروشی و... تأمین کنم " (۱۲) یک کارگر پرسی گاز میگوید" شایسته است فکری درجهت حل مشکل اصلی کارگران که نداشتن خانه ومسکن است بشود زیرااجاره خانه های فعلی کمر کارگران راشکسته است وهرچه تلاش کنند آخرماه مجبورند تمام وکمال حقوق خودرا دراختیار صاحب خانه قراردهند این مسئله فشار سنگینی رابرقشر کارگر وارد آورده است " (۱۳). عده ای ازکارگران یزد درنامه ای به کاروکارگرمینویسند "کارگرانی هستیم مجردوتعدادی نیزتازه ازدواج کرده‌ایم اماهیچگونه زمین یاخانه‌ای نداریم ونمیتوانیم هرماه ۴ هزارتومان بلکه بیشتر اجاره بدهیم حتی سازمان تأمین اجتماعی هم به ما وام ازدواج ومسکن نمیدهد به مابگوئید چکارکنیم " (۱۴)

ازاین نقل قولها که گوشه هائی ازمشکلات وزندگی واقعی کارگران را بازتاب میدهند وصرفا نمونه هائی هستندکه بطورتصادفی به روزنامه های رژیم راه یافته اند ، به سادگی میتوان قضاوت میلیون ها کارگرشاغل ومیلیونها کارگربیکار را درمورد وعده‌هاودروغهای رفسنجانی دریافت .بگذار آخوند رفسنجانی پشت سرهم وعده‌های سرخرمن بدهد،بگذار اوادعا کندکمبود مسکن وجودندارد ومردم دررفاه هستند، بگذار بگوید " حقوق کارگران تأمین شده است " و"دستمزدها بیشترازتورم افزایش یافته است " (۱۵)، بگذار هزاران مزخرف ودروغ ببافد، کارگران در هرروز وهرساعت اززندگی روزمره وواقعی خوداین سخنان رامسخک زده اندومیزنند وفریب این شارلاتان را نخواهند خورد.

حقیقت آنستکه جمهوری اسلامی نه میخواهد ونه میتواند تنگنای مسکن را مرتفع سازد .گیریم که طی ۱۵ سال حکومت اسلامی تعدادی واحد مسکونی هم احداث شده باشد، اماهمه شواهد حاکی ازآن است که تنگنای مسکن بجای خود باقی مانده است .

تنگنای مسکن محصول ضروری شکل بورژوائی جامعه است وجامعه ای که درآن اغلبوه عظیمی از کارگران وزحمتکشان صرفا به دستمزد یعنی آن مقدار ازوسائل معیشت که برای ادامه حیات وتولیدمثل ضروریست متکی باشد، درجامعه ای که میلیونها بیکار حتی قادر به تأمین همین حداقل معیشت هم نمی‌باشند،درجامعه ای که اقشاروسیعی از روستائیان با سرعتی بسیارفزاینده تر از مناکنی که در شهرها برپاشده است اجبارا روستاها راترک‌کرده وراهی شهرها شده اند، درجامعه ای که قیمت کالاهاواجاره خانه‌هاباسرعت سرسام‌آوری افزایش یافته وهرروزه افزایش مییابد تنگنای مسکن نه‌امری تصادفی ، بلکه مسأله ای اجتناب ناپذیراست . تنگنای مسکن یکی ازمصائب بیشمار شیوه تولید سرمایه‌داریست که تحت حاکمیت جمهوری‌اسلامی‌تشدیدشده‌است . تنگنای مسکن دردل نظام سرمایه‌داری پرورده میشود وراه حل قطعی آن نیز درنابودی این نظام است . درست است که راه حل قطعی ورهائی کارگران وزحمتکشان ازتنگنای مسکن بادگرگونی از بیخ وبن نظام سرمایه داری تأمین میگردد، امابا سرنگونی جمهوری اسلامی وبرقراری حکومت انقلابی ودمکراتیک میتوان وباید نخستین گام اساسی رادر راه حل این معضل برداشت . حکومتی که‌بلافاصله‌آپارتمانها،منازل،هتلها ، ساختمانهای زائد دولتی وکلیه ساختمانهای وابسته به نیروهای ضد انقلاب رامصادره کرده وبعنوان مسکن دراختیار کارگران وزحمتکشان قرار بدهد وتاحل بنیادی این مسأله ، اجاره ها رامتناسب بادستمزد کارگران تعیین نموده وبمرحله اجراء بگذارد.

انتخابات فرمایشی رژیم را تحریم کنیم !

کارگران وزحمتکشان ایران !

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که طی تمام دوران حیات ننگین خود باتوسل بدسرکوب واختناق ومحروم ساختن عموم توده‌های مردم ازحقوق دمکراتیک وآزادیهای سیاسی . خشن ترین وتروریستی ترین دیکتاتوری رابرایران حاکم نموده است . باردیگر تبلیغات همه جانبه ای راحول صحنه انتخابات ریاست جمهوری سازمان داده وازمردم‌میخواهد که درانتخابات شرکت کنند.

سران حکومت باتوجه به بی اعتباری رژیم درمیان توده‌های مردم وافشاء ماهیت ضددمکراتیک وسرکوبگراند آن درعرصه بین المللی . تمام امکانات تبلیغاتی ،مادی وسرکوبگراند خودرابه خدمت گرفته تاشاید بتوانندمردم رابه پای صندوقهای رای گیری بکشانند وچنین وانمود کنندکه گویا درایران هم سیستم انتخاباتی وجود داردومردم مقامات حکومتی رابرمیگزینند. اما این حربه ها دیگرکارسازنیست . چراکه مردم ایران اکنون دیگر دیرزمانی است باین حقیقت واقف گشته اند که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یعنی تحت حکومتی که ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک وآزادیهای سیاسی ازمردم سلب شده وازجمله آزادی عقیده وبیان ،حق تشکل وتجمع وآزادی تشکیل وفعالیت احزاب وسازمانهای سیاسی وجودندارد." انتخابات " یک صحنه کاملا تمام و یک دروغ وفریب محض است .مردم ایران خوب میدانند که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی. هیئت حاکمه هرکه راخواست برمیگزیندوازصندوقهای رای بیرون می آورد. این روال تمام باصطلاح انتخابات رژیم تابه امروز بوده وازهم اکنون روشن است که رفسنجانی بعنوان فرد منتخب هیئت حاکمه برای پست ریاست جمهوری رژیم، مجددا برگزیده شده است .یعنی کسی که دردوره گذشته تلاش نموده تااین توهم رادرمیان مردم ایجادنمایدکه گویا تافته جدابافته ای ازکل هیئت حاکمه است .اما مردم باردیگربه تجربه دیدند که باقرارگرفتن رفسنجانی درمسند رئیس‌جمهور، نه تنها کمترین تغییردرسیاستهای ضددمکراتیک وسرکوبگراند رژیم صورت نگرفت بلکه این سیاستهای ضددمکراتیک وارتجاعی همچنان ادامه یافت . درعرصه اقتصادی نیزنه تنها بهبودی دراوضاع صورت نگرفت وازدامنه فشاربرتوده‌های زحمتکش کاسته نشد بلکه بالعکس فشاربه توده‌های محروم وزحمتکش تشدید گردیدوشرایط مادی ومعیشتی کارگران وزحمتکشان روزبه روز وخیم ترگردید. تمام این حقایق وهمه مصائبی که جمهوری اسلامی درطی دوران حیات خوددرعرصه های مختلف اقتصادی،اجتماعی وسیاسی ببارآورده است به اکثریت بسیارعظیم مردم ایران آموخته است که نه تنها تحت حاکمیت جمهوری اسلامی انتخابات قلابی وفرمایشی است .بلکه اصولاحصول به آزادی ودمکراسی ورفاه مادی باوجود جمهوری اسلامی امکانپذیرنیست . این یعنی اذعان به این حقیقت که راه نجات ما مردم زحمتکش ایران ازشر تمام مصائبی که رژیم جمهوری اسلامی ببارآورده است درسرنگونی این رژیم است .

کارگران وزحمتکشان ایران !

یکباردیگر باتحریم انتخابات فرمایشی رژیم که درواقع اعلان بی اعتمادی وتنفرازرژیم جمهوری اسلامی است . دست ردبرسینه حکومت بزنید وتمام تلاشهای ارتجاعی آنراخنثی کنید.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خرداد ۱۳۷۲

"آئین نامه کارهای سخت وزیان آور" و ....

محدوده کارهای سخت وزیان آور تعریف شده درآئین نامه خارج سازند. فی المثل برای اینکه کار کارگران این رشته ها مستمرو مستقیم نباشد، کارگری راسه ماه در این قسمت وادار بکار کنند، یکهفته اورا به قسمت دیگری بفرستند ومجددا وی رابه قسمت فوق بازگردانند. دراینصورت کار کارگر در رشته های سخت وزیان آور، مستمرنیست وکارگر مزبور نخواهد توانست از مزایای بسیار ناچیزی که قانون کار برای این مشاغل در نظرگرفته است، استفاده نماید. ثانیا با تعبیر تبصره ۱ آئین نامه، در مهلک ترین رشته های کاری، کارفرما میتواند مثلا با نصب یک هواکش کوچک، اختصاص یک جفت دستکش به کارگر شاغل دراین رشته وتغییرات جزئی ازاین قبیل، بیک چشم بهم زدن، کارسخت وزیان آور رابه کاری عادی وغیر زیان آور برای کارگر تبدیل کند. فراتر ازاین، آئین نامه، دراکثر موارد تعیین مرز بین کار زیان آور و غیر زیان آور دریک رشته مشخص را به تشکیل کمیته های تخصص، به نظر مرکز تحقیقات وتعلیمات حفاظت وبهداشت کارو ارگانهائی از ایندست منوط نموده است که ترکیب این کمیته ها ونظری که میبایست دراین باره بدهند از پیش مشخص است. ازجمله کمیته های تخصصی که میباید رعایت این آئین نامه رادر کارخانه ها تحت نظارت داشته باشند از افراد زیر ترکیب میشوند: مدیر کل کارواموراجتماعی استان بعنوان رئیس کمیته، بازرس کاراستان، یکنفر کارشناس بهداشت حرفه ای، یکنفر نماینده کارفرما، یکنفر نماینده کارگر به معرفی کانون شوراهای اسلامی یاکانون انجمنهای اسلامی، نمایندگان اداره کل صنایع سنگین، معادن وفلزات، کشاورزی، صنعت نفت، سازمان حفاظت محیط زیست استان، نماینده جهاد سازندگی ویک استاد دانشگاه.

همانگونه که مشاهده میشود دراین کمیته های تخصصی که قراراست درهراستان تشکیل شود، ۱۴ نفر عضویت دارند، ازاین ۱۴ نفر، ۱۱ نفر مستقیما نمایندگان سرمایه داران ودولت آنان هستند ونمیتوان شکی داشت که بفرض تشکیل جلسه وبحث برروی مسائل مربوط به کارهای سخت وزیان آور، این مسائل رااز موضع سرمایه داران در نظر میگیرند، سه نفر باقیمانده یعنی یک استاد دانشگاه، یک متخصص بهداشت حرفه ای ویک کارگر که درمورد استاد دانشگاه ومتخصص بهداشت، آئین نامه روشن ذکر نکرده است این افراد چگونه انتخاب میشوند، امافرض محال میکنیم کاملا دمکراتیک انتخاب میشوند ونماینده رژیم با کارفرماها نیستند. درمورد کارگر نماینده هم که قرار است توسط شوراهای اسلامی یاانجمنهای اسلامی معرفی شود بازفرض میکنیم این شخص ازآنجاکه خود کارگر است، عمدتا دربحث ها جانب کارگران را بگیرد، بهرحال اگر تمام فرضهای محال وخوشبینی ها به واقعیت بپیوندند ترکیب جلسه ۱۱ به ۳ میشود (دراینجا مازیک مسئله دیگر هم درنظر گرفته‌ایم وآن پشتوانه مالی ودولتی نمایندگان سرمایه داران ودست خالی بودن کسانی است که بهرحال نمیخواهند جانب سرمایه داران ودولت را بگیرند) وچون درآئین نامه قیدشده است که تصمیمات بااکثریت آراء حاضرین در جلسه معتبرخواهدبود، بنابراین آن ۱۱ نفر همیشه دربحث ها برنده ودرتصمیم گیریها، تعیین کننده قطعی هستند. گذشته از اینها، بند مربوط به جلسات کمیته های تخصصی یک تبصره دیگرهم دارد که خیال همه رایکره راحت میکند وآن اینکه اگر چه نمایندگان این کمیته باید ۱۴ نفر باشند ولی جلسات باحضور ۷ نفر یعنی دقیقا نصف اعضاء رسمیت مییابد. یعنی خود آئین نامه صراحتا میگویدکه بفرض تشکیل این کمیته ها وبفرض اینکه بخواهد مسائل مربوط به سختی کاروغیره مورد بررسی قرار بگیرد، وجود ۷ نفر از نمایندگان کافی است وردیف کردن نام ۱۴ متخصص ونماینده وغیره جنبه نمایشی ودلمشغولی دارد ازآن ۷ نفر حاضر درجلسه هم کافی است ۴ نفر باتصمیمی موافق باشند که دراینصورت کارتمام است وتصمیم اتخاذ شده باید اجرا شود.

همانگونه که دراستدا گفته شد وبررسی اجمالی مواد آئین نامه نیزنشان داد، این آئین نامه همانند تمامی مصوبات وتصمیمات حکومت وارگانهای مختلف آن دررابطه با مسائل کارگری، ضدکارگری است وحتی به فرض اجرا نیز گره‌ای ازکار کارگران نخواهد گشود. باین ترتیب اتفاقی نیست که وزرای مربوطه این آئین نامه رادوسال دربایگانی جاداده‌اند وامروز آنراعلنی میکنند. چراکه درشرایطی که از حدودیکسال پیش کارخانجات مختلف به بهانه کمبود ارز ودهها دستاویز دیگر، گروه گروه کارگران رااخراج میکنند، وکارگران شاغل نیز هیچگونه امنیت شغلی نداشته وهرلحظه خودرادرمعرض اخراج میبینند، به زعم رژیم زمینه برای فشار بیشتر به کارگران شاغل مساعداست ومیتوان هر قانون ضدکارگری وارتجاعی وهرآئین نامه ای راکه علنا بربی حقوقی کارگران وقدرقدرتی سرمایه داران بناشده است، به کارگران تحمیل نمود. اما چه دریکسال گذشته که رژیم مدام چماق اخراج وبیکاری رابالای سر کارگران به حرکت درآورده است، وچه درسالهای گذشته، کارگران ایران بامبارزات خودنشان داده اند که تن به سیاستهای ضد کارگری رژیم نخواهند داد وبرای رسیدن به خواستهای برحقشان، مبارزه خودرادراشکال گوناگون ادامه خواهند داد.

جمهوری اسلامی در...

وکاملا سیاست خودرابااوضاع کنونی جهان منطبق سازد وبادرصورت مقاومت باوخامت بیشتراوضاع روبرو گردد. باتوجه به ساخت وبافت رژیم، خصلتهای مذهبی حکومت وکشمکش جناحهای رقیب بعید بنظر میرسد که رژیم بتواند ثبات اول راعملی سازد. چراکه درعمل این بدانمعناست که جمهوری اسلامی دیگر بعنوان جمهوری اسلامی وجود نداشته باشد. پس آنچه که بیشتر محتمل است، دست وپازدن رژیم درمخمصه موجود وانزوای بین المللی روزافزون است. مسئله ای که خود بروخامت اوضاع داخلی رژیم تاثیر میگذارد وزمینه راهرچه بیشتربرای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدست توده های مردم فراهم میسازد.

* * *

بازهم وعده وبازهم دروغ

منابع:

(۱) سخنرانی رفسنجانی دراجتماع کارگران - سلام ۹ اردیبهشت ۷۲
(۲) سخنرانی کازرونی درسمینار مدیران شرکتهای سرمایه گذاری مسکن دراصفهان - رسالت ۲۳ اردیبهشت ۷۲
(۳) رسالت ۳۰ اردیبهشت ۷۲
(۴) سلام ۱۰ خرداد ۷۲
(۵) سلام ۲۰ خرداد ۷۲
(۶) سلام ۹ خرداد ۷۲
(۷) رسالت ۱۳ خرداد ۷۲
(۸) کیهان ۱۲ خرداد ۷۲
(۹) سلام ۱۲ اردیبهشت ۷۲
(۱۰) و (۱۱) و (۱۲) کاروکارگر ۱۱ اردیبهشت ۷۲
(۱۳) کاروکارگر ۹ اردیبهشت ۷۲
(۱۴) کاروکارگر ۱۲ خرداد ۷۲
(۱۵) سلام ۳ خرداد ۷۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

جمهوری اسلامی در انزوای بین المللی

یکی ازنزدیکترین متحدان آن بود بحالت تعلیق درآمده ،ورژیم الجزایر یکی ازعوامل بی ثباتی در این کشور راجمهوری اسلامی میداند. عملیات تروریستهای حزب الهی در مصر، مناسبات جمهوری اسلامی راباین کشورکه ازسالهاپیش وخیم بودوخیم ترساخته است . رژیم مصرنیز حامی وپشتیبان تروریستها راجمهوری اسلامی میداندو ازاینروشدیدا باجمهوری اسلامی درگیرشده است . درتونس نیزوضعیت مشابهی وجوددارد. ازاینرواین سه دولت اقدامات مشترکی راعلیه جمهوری اسلامی ، جنبش بان اسلامیستی وتروریستهای دست برورده جمهوری اسلامی سازمان داده واخیرا یک قراردادامنیتی مشترک برای مقابله باتحریکات جمهوری اسلامی و تروریستهای آن منعقدساخته اند. این وضعیت برمناسبات جمهوری اسلامی ولیبی که آنهم ازیاران دیرینه جمهوری اسلامی بود تأثیرگذارده تا بدانجاکه قذافی اخیراطی یک سخنرانی خواستار اعدام تروریستهای دست پرورده جمهوری اسلامی بدون هرگونه محاکمه ای گردید. همزمان بااین تحولات مناسبات جمهوری اسلامی با شیوخ وسلاطین حاشیه خلیج که قبلاهم وخیم بود باتجدیدادعای امارات متحده عربی درمورد مالکیت برجزایر سه گانه تنب بزرگ ، تنب کوچک وابوموسی به وخامت بیشتری گرائیده است . این ادعانه تنها رسماوعلنا از سوی شورای همکاری خلیج باضافه مصروسوریه موردحمایت قرارگرفته بلکه کلیه دول عربی ازآن پشتیبانی میکنند. دراین میان رژیم مصرتبدیل به حلقه واسطی شده است که جبهه مخالف علیه جمهوری اسلامی راازشمال آفریقا تا حوزه خلیج فارس بهم پیوند میزند. مسافرتهای پی درپی سران رژیم مصر به خاورمیانه وهمچنین به کشورهای اروپائی وآمریکا در راستای شکل دادن به یک جبهه گسترده علیه جمهوری اسلامی وجلب حمایت قدرتهای جهانی است واز این بابت نیزجمهوری اسلامی بشدت تحت فشار قرارگرفته است . مناسبات جمهوری اسلامی با دیگردولتهای همجوارآن نیز بهمین طریق تیره وتوام باکشمکش بوده وهست . در حالیکه حدود ۵ سال از اعلام آتش بس میان رژیمهای حاکم برایران وعراق میگذرد، مناسبات این دولت ها نه تنهابهبود نیافته بلکه دربی تحولات جنگ خلیج ، جانبداری سمتی جمهوری اسلامی از حملات نظامی آمریکا علیه عراق ، وتلاش برای بقدرت رساندن مرتجعین بان اسلامیست در عراق ، مجددا تیره شده‌است . ماجراجوئیهای نظامی جمهوری اسلامی، ازجمله نقض مکرر آتش بس ونفوذ به داخل عراق ، بمباران مراکز استقرار آن دسته از نیروهای اپوزیسیون ایرانی که در خاک عراق مستقر هستند وغیره این تیرگی مناسبات رابه درجه ای رسانده که طرفین باردیگر نیروی قابل ملاحظه ای را در مرزهای یکدیگر مستقر کرده اند. در مورد مناسبات جمهوری اسلامی باترکیه نیزبایدگفت که این دو رژیم طی یکی دوسال اخیر پیوسته درگیریها وکشمکشهائی داشته که بخشا مربوط به تضادها وکشمکشهای میان پان اسلامیسم وپان ترکیسم در آسیای میانه بوده وبعضا نیز به حمایت جمهوری اسلامی ازجنبش پان اسلامیست دراین کشور مربوط میگردد. جمهوری اسلامی درایناجانیزنه تنها از مرتجعین پان اسلامیست حمایت و پشتیبانی میکند وگروههای مذهبی تروریست راسازماندهی میکند وآموزش میدهد بلکه گروهی آدمکش حرفه ای رادراینجاسازماندهی‌کرده‌که مخالفین جمهوری اسلامی رابقتل برسانند. این ترورها تنهابه مخالفین ایرانی جمهوری اسلامی محدودنشده بلکه به روزنامه نگاران ونویسندگان ترک نیز بسط یافته است . از ترکیه که بگذریم در مرزهای شرقی نیزجمهوری اسلامی درگیر یک رشته مشکلات با کشورهای همجواراست . در این مورد بطور مشخص بایدبه افغانستان اشاره کرد که جمهوری اسلامی برای به قدرت رسیدن مرتجعین سرمایه گذاری هنگفتی نمود وهمپای آمریکا وعربستان از مرتجعین افغان حمایت وپشتیبانی نمود. اما اکنون بابه قدرت رسیدن داردسته هائی روبروست که مجری سیاستهای عربستان وآمریکا هستند. در حالیکه هنوز جنگ داخلی دراین کشور ادامه دارد، برخی از جناحهای رقیب به رودر روئی مستقیم باجمهوری اسلامی کشیده شده وآنرا مسبب ادامه جنگ داخلی دراین کشور معرفی میکنند. تنها مناسبات جمهوری اسلامی با پاکستان تاحدودی حسنه است که در اینجا هم چشم انداز واحتمال بروز یکرشته تحولات سیاسی به زیان جمهوری اسلامی وجود دارد.

مجموعه این وضعیت را که در نظربگیریم میبینیم که جمهوری اسلامی درلحظه کنونی بایکی ازنامساعدترین شرایط بین المللی درطول تمام دوران حیات خودروبروست وازجهت بین المللی درانفراد وخیمی قرارگرفته است.

این انفراد بین المللی به درجه‌ای رژیم راتحت فشار قرارداده و تهدید میکند که سران رژیم رابه تکاپوواداشته وطی چند ماه اخیر دست به یک سلسله مانورهای دیپلماتیک زده تاشاید بتوانند از مخمصه ای که درآن گرفتارند بیرون آیند.

ازاین نمونه میتوان به گسیل چندین هیئت دیپلماتیک به پایتخت های اروپائی اشاره کرد . این هیئتها تلاش نمودنددولتهای اروپائی رامتقاعد سازندکه از اعمال فشارهای اقتصادی وسیاسی به جمهوری اسلامی خودداری کنند.

جمهوری اسلامی دروهله نخست برای بیرون رفت از انزوای بین المللی میکوشدازتضادهای بلوکهای امپریالیستی استفاده کند. لذادر حالیکه امپریالیسم آمریکا بردامنه فشارهای خودافزوده است ، به سوی امپریالیستهای اروپائی وژاپن پناه میبردومیکوشد مناسبات اقتصادی وسیاسی خود راباآنها تقویت نماید. این واقعیتی است که قدرتهای امپریالیست درحالی که بایک بحران اقتصادی جدی روبرو هستند وتضادبلوک بندیهای آنها پیوسته تشدید میشود هریک در تلاش اند بازارهاومناطق نفوذ بیشتری راتحت سلطه خود درآورند. لذا بازاروسیع ایران بایک پشتوانه کلان دلارهای نفتی چیزی نیست که بخواهند ازآن صرفنظر کنند. بویژه آلمان وژاپن که حجم مبادلاتشان با جمهوری اسلامی درسال از ده میلیارد مارک هم تجاوز میکند . برهمین مبنا قدرت های امپریالیست برغم ادعاهای کذائی شان در مورد دفاع از دمکراسی وحقوق بشر وحتی محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی البته در حرف بخاطر تجاوز آشکار به ابتدائی ترین حقوق انسانی در ایران وتروریسم دولتی ، مناسبات اقتصادی گسترده‌خودرا با جمهوری اسلامی حفظ کرده اند . معهذا قدرتهای اروپائی به چند علت نمیتوانندپشتیبان‌آشکاراین رژیم باشند وحتی درباره ای مواردرجهت محدود کردن مناسبات خود بااین رژیم اقدام نکنند . اولا - رسوائی وبی اعتباری جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی وفشارافکار عمومی عاملی است که کشورهای اروپائی ناگزیرند آنرا مد نظر قراردهند. ثانیا - برغم اینکه امپریالیسم آمریکا هم اکنون نیزدیگر در موقعیتی قراردارد‌که سیاستهای خودرابه دیگر قدرتهای امپریالیست دیکته کند، معهذا هنوز در موقعیتی قراردارد که قدرتهای امپریالیست دیگر نمیتوانند بکلی خط مشی وسیاست آنرا نادیده بگیرند . بویژه در منطقه خاور میانه که امپریالیسم آمریکا قدرت برتر وتصمیم گیرنده اصلی‌محسوب میشود. ثالثا - قدرتهای اروپائی نمیتوانند فشارهای رژیم های منطقه وحتی شمال آفریقا رانادیده انگارند . لذا ناگزیرند محدودیتهائی در مناسبات وپشتیبانی خود از رژیم جمهوری اسلامی قائل شوند . باین واقعیت هم باید اشاره کرد که تضادهای ذاتی خود رژیم اسلامی در ایران نیز همواره بعنوان عاملی برای وخیم شدن مناسبات رژیم بااین کشورها عمل کرده است وهرگاه که این مناسبات اندکی بهبود یافته درجهت عکس آن عمل کرده است . در اینجا بطور مشخص به خصلت مذهبی رژیم وتروریسم بین المللی آن باید اشاره کرد .

اقدام دیگر رژیم جمهوری اسلامی برای خروج از انزوای بین المللی تلاش برای بهبود مناسبات

◄

خودباشیوخ وسلاطین عرب بوده است . بدین منظور بلافاصله پس از مسافرت چند ماه پیش حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر به کشورهای عربی حوزه خلیج که باهدف بسیج این کشورها علیه جمهوری اسلامی وسیاستهای پان اسلامیستی آن صورت گرفت ، ولایتی طی سفری به این کشورهاکوشیدبه شیوخ اطمینان دهدکه جمهوری اسلامی خواستار مناسبات حسن همجواری با شیخ نشینهاست . نماینده دیپلماتیک "اسلام ناب محمدی" حتی به پاپوس نماینده " اسلام آمریکائی " رفت تاضمن دادن این اطمینانها، از وی دعوت بعمل آورد که برای دیدار باسران حکومت جمهوری اسلامی به ایران بیاید . اماولایتی دراین سفر نیزتوفیقی بدست نیاورد.به‌دوعلت . اولا- برغم اینکه شیوخ وسلاطین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج جزیک مشت مرتجع اسلامی چیز دیگری نیستند ، اماپیوسته ازاین بیم دارند که جمهوری اسلامی از تلاش برای بقدرت رساندن طرفداران خود دراین کشورها دست برندارد. لذاهرچندولایتی دراین زمینه بآنها اطمینان دادوگفت جمهوری اسلامی قصد مداخله در امور کشورهای دیگر راندارددوخواستار مناسبات حسنه ونزدیک بااین کشورهاست ، معهذاآنها براساس تجارب گذشته هیچ اعتماد واطمینانی به این اظهارات ندارند . آنچه که در همان ایام تلاشهای ولایتی راکاملا بی ثمر کرد، تظاهرات حزب الهی های طرفدارجمهوری اسلامی در عربستان بود که با واکنش شدید دولت عربستان ، اخراج نماینده خامنه‌ای وتبلیغات ضد جمهوری اسلامی روبروگردید.شانیا- مسئله دیگری که مانع عادی شدن مناسبات رژیم باامارات است، ادعای شیوخ عرب در مورد مالکیت جزایر سه گانه است که با حدت وشدت آنرامطرح نموده اند .

آخرین نکته ای هم که باید بآن اشاره کرد موضعگیریهای رفسنجانی در جریان انتخابات اخیربود که مستقیم وغیر مستقیم برمسئله بهبود مناسبات باغرب تاکید داشت . او طی دو مصاحبه با خبرنگاران داخلی وخارجی که یکی ازآن دواختصاصا بامجله آمریکائی تایم صورت گرفت به تشریح مواضع و سیاستهای داخلی وبین المللی خود پرداخت . اودراین مصاحبه هاتلاش نمود که حمایت قدرتهای جهانی از جمله آمریکارانسبت به سیاستهای خود کسب کند. درزمینه اقتصادی با تاکید برادامه سیاستهای گذشته خود به قدرتهای امپریالیستی قول دادکه همچنان برمبنای سیاستهای تعیین شده توسط صندوق بین المللی پول وبانک جهانی حرکت کند . اوتاکید کردکه سیاست واگذاری صنایع ومؤسسات دولتی به بخش خصوصی وایجاد تسهیلات وامکانات بیشتر برای بورژوازی داخلی وبین المللی ادامه خواهد یافت . در زمینه نقض آزادیها وحقوق دمکراتیک مردم کوشید خودرا تافته جدابافته ای ازکل حاکمیت معرفی کند. لذا درهردومصاحبه بر مسئله طرفداری خود ازتعدد احزاب تاکیدنمودوگفت " من طرفدار قانون اساسی هستم که طرفدارتعدد احزاب است ." اوهمچنین عمل کسانی راکه به دفاتر برخی ازنشریات وروزنامه های قانونی حمله میکنندمحکوم دانست و آنرا کارافراد ناآگاه معرفی کرد که گویا پرونده آنها در حال رسیدگی است . روشن‌است که لیبرال منشی رفسنجانی دراین مصاحبه ها عمدتا دارای مصرف خارجی است . اوفقط میخواست به قدرتهای امپریالیست بگوید که من طرفدارآزادیهای سیاسی هستم والا مردم ایران که تمام ترفندهای رژیم وجناحهای آنرا تجربه کرده اند، خوب میدانند که رفسنجانی دروغ میگوید واوهمچون دیگرسران رژیم نمیتواندموافق آزادیهای سیاسی وحقوق دمکراتیک مردم باشد. بهترین دلیل آنهم گذشته ازعملکرد رفسنجانی درطول تمام دوران زمامداری جمهوری اسلامی، اشاره وی به قانون اساسی است که به تمام معنایک قانون اساسی ارتجاعی وضددمکراتیک است . اوحتی درهمین مصاحبه هائی هم که عمدتا دارای مصرف خارجی بودند درمورد حمله به دفاتر روزنامه های قانونی رژیم از " خط قرمزی " سخن میگوید که باید از سوی مطبوعات رعایت شود واگرکسی آنرارعایت نکردتنبیه‌میشود . مردم ایران هم خوب میدانند که بنام همین خط قرمز تاکنون آزادی عقیده وبیان رادرایران ممنوع کرده اند. حرفهای رفسنجانی در زمینه آزادیها بیش از آن تکراری ، کهنه وشناخته شده است که کسی بخواهد آنهاراجدی بگیرد. حتی جریاناتی هم که به " جناح واقع بین " امیدبسته بودند درعمل دیدند که ازاین‌امامزاده فریبکار هم معجزه ای ساخته نیست .

اما بحث اصلی رفسنجانی دراین هردو مصاحبه درمورد سیاست های خارجی رژیم و مناسبات بین المللی آن بود . اوبمنظور اطمینان دادن به قدرتهای امپریالیستی پیوسته براین مسئله تاکید داشت که جمهوری اسلامی خواستار مناسبات حسنه ونزدیک با همه دولتهابجز یکی دو مورد است . اودرمورد مناسبات باآمریکا بیش ازهرمسئله دیگری تاکید داشت در مورد رابطه باغرب بطورکلی گفت "همکاری ورابطه باکشورهای مختلف جهان ازاصول‌سیاست خارجی ماست . " روشن است که دراینجااشاره رفسنجانی بویژه‌به‌آمریکاست ، چراکه گفتن این مسئله که همکاری ورابطه باکشورهای مختلف جهان ازاصول سیاست خارجی ماست ، درموردکشورهائی که هم‌اکنون باآنهارابطه وهمکاری دارد بی معناست . ازهمین رواوازآمریکا خواست که برای حل مسائل واختلافات فی مابین،اموال توقیف شده‌ایران را آزاد کند.اودرمصاحبه باتایم گفت : آمریکا باید اموال مارا آزاد بکند. این علامت خوبی است .ودرمصاحبه دیگر خود درپاسخ به سوال خبرنگار کیهان هوائی که پرسید آیادرصورت آزادی اموال بلوکه شده، ایران باآن کشورارتباط برقرارمیکند، توضیح داد، اگردارائیهای ما آزادشد، ماتصمیمات پس از آن رامیگیریم .

روشن است که این چراغ سبزهم گره گشای مشکلات جمهوری اسلامی نبوده و نیست . مسئله بهبود مناسبات جمهوری اسلامی باآمریکا به حل وفصل یکسلسله اختلافات میان این دورژیم وابسته است ومهمترین مسئله اینست که جمهوری اسلامی خود راکاملا باسیاستهای بین المللی ومنطقه ای آمریکا هم آهنگ سازد. واقعیت اینست که نه آمریکا ونه دیگر قدرتهای امپریالیست هیچیک خواستارسرنگونی وبرانداختن جمهوری اسلامی نیستند . آنها درنهایت خواستارآن هستند که جمهوری اسلامی سیاستهای خودرا برمبنای سیاستهای بین المللی ومنطقه ای آنها تنظیم کند وبه پاره ای معیارها وموازین بین المللی شناخته شده گردن بگذارد. فشارهائی که اکنون به جمهوری اسلامی وارد می آید ازجمله مسائل‌مربوط‌به‌عدم‌رعایت حقوق بشر هم تنها دراین راستا مطرح است والا کیست که نداند این مسئله تنهایک اهرم فشاراست . چندان دور نرویم وعملکرد خود قدرتهای امپریالیست را دراین مورد نادیده انگاریم ، هم اکنون بغل گوش جمهوری اسلامی شیوخ وسلاطین مرتجعی حاکم اند که آزادیهای سیاسی وحقوق دمکراتیک مردم رابه وحشیانه ترین شکل ممکن نقض میکنند وحتی نظیر جمهوری اسلامی قوانین ومقررات شرعی واسلامی قرون وسطائی رااعمال مینمایند، بااین همه ازنزدیکترین متحدین آمریکا ودیگر قدرتهای امپریالیستی هستند.

بنابراین واضح است که حدود حدودفشارهای قدرتهای امپریالیستی چیست وتاچه محدوده ای پیش میرود. بااین همه درلحظه کنونی مسئله انفراد بین المللی جمهوری اسلامی وفشارهائی که در عرصه جهانی ومنطقه ای به آن واردمیشود بقوت خود باقی است . جمهوری اسلامی باتوجه به مجموع اوضاع سیاسی جهان دیگردر موقعیتی نیست که بتواند دربطن این انزوای بین المللی وفشارهای جهانی ومنطقه ای مقاومت کند، لذاباید دربرخی سیاستهای خود تجدید نظرکند

۱۰

زنده باد سوسیالیسم

ارتجاع اسلامی وتشدید . . .

دیکتاتوری‌عریان‌وآشکارمرتجعین‌میباشد، مبلغ ومروج مفاسداجتماعی است ونمیتواند بامفاسد اجتماعی مبارزه کند. منظور جمهوری اسلامی ازمبارزه با مفاسد اجتماعی تحمیل ضوابط قرون وسطائی بمردم ، از جمله مجبورنمودن زنان به رعایت حجاب اسلامی است . لذادر حالیکه گرمای طاقت فرسای تابستان فرارسیده است ومردم زیربار رعایت ضوابط ارتجاعی رژیم درمورد رعایت حجاب نمیروند بنام مبارزه با مفاسداجتماعی وتهاجم فرهنگی، میخواهد بازور وقلدری زنان را وا داردکه مقررات ارتجاعی آنرارعایت کنند. اینکه جمهوری اسلامی تازه پس از ۱۵ سال با علم وکتل مبارزه با مفاسداجتماعی وتهاجم فرهنگی بمیدان آمده تازنان رابه رعایت مقررات حجاب اجباری وادارد واینکه تاکنون رژیم به دفعات به این شیوه ها متوسل شده وجز شکست چیزی عاید آن نشده است ، خودنشان دهنده این واقعیت است که رژیم بااین همه سرکوب وفشار نتوانسته ونمیتواند مردم رابه تمکین وادارد وحتی نوع ونحوه لباس پوشیدن آنهاراتعیین کند. بران حکومت ومطبوعات جیره خوار رژیم باعصبانیت فریادسرداده اندکه بخش عمده زنان دستگیر شده راکسانی تشکیل میدهند که دردوران حکومت اسلامی پرورش یافته اند. گویاکه اینابلهان تصورمیکردند با سرکوب یک نسل ازمردم ایران ،نسلی که در دوران این رژیم درایران پرورش یافته تسلیم آنها خواهدشد. آنهانمیفهمند که چرخ تاریخ را نمیتوان بازور بعقب برگرداند وجوانان این مملکت پرچمدار مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهندبود. حتی آنجائی که بخیابان نمیریزد و علنا شعارسرنگونی رژیم راسرنمیدهد، مخالفت خودراباشکال دیگری ابراز میدارند، ازجمله ضوابط ومقررات حکومت رازیرپا میگذارد. پس کاملا بدیهی است که این تلاشهای ارتجاعی رژیم ، تلاشی عبث است وبازهم جز شکست وتحقیر چیزی عاید آن نخواهدشد.

یک مسئله دیگری هم در ارتباط بااهداف رژیم ازسازماندهی اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان باید اشاره کرد وآن تلاش همیشگی رژیم برای تشدید جوخفقان وایجاد محیط رعب ووحشت درجامعه است . مزدوران رژیم درحالی که درتمام خیابانها پرسه میزنند،مردم رامتوقف میکنند، به جستجوی بدنی میپردازند. ازآنها اوراق هویت طلب میکنندوهرکس راکه میخواهند بازداشت میکنند، بااین اقدامات خودمیخواهند محیط رعب ووحشت پدیدآورند ومردم را بترسانند.درحقیقت این شکلی از حکومت نظامی اعلام نشده درشهرهای بزرگ ، برای گسترش اقدامات امنیتی وکنترل توده های مردم است . این شیوه‌ایست که جمهوری اسلامی درطول دوران زمامداری خود مکرر بآن توسل جسته واکنون نیز درشرایطی که بردامنه نارضایتی واعتراض مردم افزوده شده وجریان باصطلاح انتخابات ریاست جمهوری هم نشان دادکه دیگر حتی تهدیدوتطمیع هم برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای کارساز نیست ، باین شیوه متوسل شده است . معهذا جمهوری اسلامی درتحقق این هدف خودنیز ناکام خواهدماند. اگر این شیوه‌نتیجه‌ای درپی‌داشت ، میبایستی اکنون دیگر مردم ایران به وضع موجود تمکین کرده باشند وسران حکومت ناگزیر نمی بودند مزدوران خودرا بخیابانها بریزند بهرحال نه این هدف رژیم تحقق خواهد یافت ونه تلاش دیگر آن برای مجبورکردن زنان برعایت مقررات قرون وسطائی حجاب اجباری .زنان ایران که گذشته ازبی حقوقی عموم مردم ایران ، تحت حکومت اسلامی ازحقوق یک انسان محروم اند ومطابق احکام وضوابط اسلامی باآنها بعنوان برده ونیمه انسان برخورد میشود، این وضع راتحمل نخواهندکرد.زنان مبارز ایران دوش بدوش مردان بمبارزه خودعلیه این رژیم ادامه خواهنددادتا سرانجام پیروزی نصیب آنها گرددوبه حقوق حقه خود دست یابند.

★ جمهوری اسلامی
هراسناك ازاعتلاء جنبش خلق کرد

طی چندماه اخیر،جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه خودرا در کردستان تشدید نموده است . این اقدامات سرکوبگرانه به کردستان ایران محدود نشده بلکه بمناطق مرزی کردستان عراق نیز بسط یافته است . نیروهای سرکوب رژیم به دفعات روستاهای مناطق مرزی رامورد تاخت وتاز قرارداده،به توپ باران برخی ازروستاها پرداخته ودر مواردی به بهانه سرکوب نیروهای اپوزیسیون ، برخی مناطق رابا هواپیماهای خود بمباران کرده است .این اقدامات سرکوبگرانه درشرایطی انجام میگیرد که درنتیجه سرکوبهای وحشیانه رژیم مدتهاست که جنبش انقلابی خلق کرددرکردستان ایران فروکش کرده، ازدامنه اشکال علنی مبارزه توده‌ای کاسته شده وعملیات نظامی پیشمرگان دربائین ترین سطح خودقرار دارد. درچنین شرایطی توسل رژیم رابه تاکتیکهای نظامی نمیتوان به عامل دیگری جزترس ووحشت آن ازاعتلاء مجدد این جنبش دراوضاع بین المللی جدیدنسبت داد. نخست اینکه آنچه موجب هراس رژیم شده است تحولاتی است که درکردستان عراق شکل گرفته، رژیم عراق تسلط خودرابربخش وسیعی ازکردستان ازدست داده و منطقه عملا دردست خود مردم کردستان است . اوضاع بین المللی نیزبگونه ایست که قدرتهای جهانی نیز عجالتا درهمین محدوده وچارچوب از کردهای عراق حمایت وپشتیبانی میکنند.ازاین گذشته جنبش خلق کرد درکردستان ترکیه نیزطی چند سال اخیرپیوسته اعتلاء یافته وزحمتکشان کرد تحت رهبری حزب کارگران کردستان بمبارزه مسلحانه علیه رژیم حاکم برترکیه برخاسته اند. تحت چنین شرایطی جمهوری اسلامی درهراس است که تحولات جنبش‌خلق کرددرعراق وترکیه ، برکردستان درایران نیزتأثیر بگذاردوباردیگر جنبش خلق کرد درایران نیز اعتلاء یابد که نه تنها خود به پیروزیهائی دست یابد بلکه برکل جنبش درایران نیزتأثیر بگذارد. زمینه های عینی اعتلاءاین جنبش درداخل هم بقوت خود باقیست وآن همانا عدم تحقق مطالبات و خواستهای مردم کردستان است . سالهای متمادی است که این خلق ستمدیده درایران سرکوب شده است .جمهوری اسلامی از همان نخستین روزهای موجودیت خودبا تمام قوا مبارزات و مطالبات این خلق راسرکوب کرده‌است ، امااز آنجائیکه مطالبات این مردم بجای خود باقی است ، بااندک تغییری درشرایط ، سرکوب کارکردخود رااز دست میدهدوبار دیگراین مطالبات دردستور کارقرار میگیرند ومردم برای تحقق آنها بپامیخیزند.این واقعیت باید بجز مرتجعینی که جززبان زورو سرکوب چیزی نمی فهمند ، برهرکس روشن باشد که هیچ ملتی رانمیتوان برای مدتی مدیدبازوروسرکوب در اسارت نگهداشت . آیاستم ، سرکوب وفشاری که طی سالهای متمادی برمردم کردستان عراق اعمال گردید کم‌بود؟ آیا وحشیانه تراز آتاتورک و جانشینان وی درترکیه میشد حتی مظاهرفرهنگی این مردم راسرکوب کرد وازبین برد؟ آیا بیرحمانه ترازرژیم پهلوی ودرجمهوری اسلامی میشد این مردم را سرکوب‌کرد؟با این همه امروزه ما شاهدیم که جنبش خلق کرد دراین هرسه کشور ودر محدوده ای درسوریه با مطالبات وخواستهای برحق خویش دربرابر رژیمهای حاکم قدبرافراشته است. نه تنها دراین مورد بلکه در هزاران مورد مشابه دیگر تأیید شده است که یک ملت رانمیتوان بازور و سرکوب وبی حقوقی دراسارت نگهداشت . لذا درایران که یک کشورچندملیتی است ، راه حل منطقی ، انسانی و انقلابی این است که بی چون وچرا حق هرملتی درتعیین آزادانه سرنوشت خودبرسمیت شناخته شود. این راه حل فوری است که‌ما کمونیستهای ایران ازموضع طبقه کارگر برای حل مسئله ملی ارائه میدهیم .باید به هرملتی حق داده شود که آزادانه سرنوشت خودراتعیین کند. تصمیم بگیرد که آیا میخواهد درچارچوب کشورایران بعنوان یک ملت برابربا ملتهای دیگر زندگی

◄

کند یا اینکه خودمیخواهد دولتی جداگانه تشکیل دهد. ازاینرو برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای ساکن ایران تاحدجدائی وتشکیل دولتهای مستقل بسط میابد. امادر همین جا درپاسخ به یاوه سرائی شونیستها که متاسفانه تعدادشان درایران وحتی درصفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی کم‌نیست وما کمونیستها رامتهم میکنند که مبلغ تجزیه طلبی هستیم بایدافزودکه جانبداری ما از حق تعیین سرنوشت برای ملتهای تحت ستم باین معنانیست که ماشعار جدائی این ملتها راازایران سرمیدهیم و یا مدافع آن هستیم. ما انترناسیونالیست هستیم ونه برای ایجاد دولتهای کوچک ملی، بلکه برای یک دولت جهانی کارگری مبارزه میکنیم. بااین نگرش دربرخورد بامسئله ملیتهای ساکن ایران نیزما کارگران همه ملتهای ساکن ایران رامورد‌خطاب قرارداده ومیگوئیم: منافع عموم کارگران وزحمتکشان ازهرملیتی دراین است که متحدا یک دولت مقتدر کارگری علیه سرمایه داران واستثمارگران تشکیل دهند. ماکارگران وزحمتکشان هرملتی رااز توهمات ناسیونالیستی بورژوائی وخرده بورژوائی برحذرمیداریم وبه آنها میگوئیم که منافع عموم کارگران ملتهای مختلف یکی است ودشمن آنهاواحد است. منافع طبقاتی مشترک عموم کارگران ایجاب میکند که متحدا طبقه سرمایه دار راازهر ملیتی که باشد براندازید ودولت متحده کارگری تشکیل دهید. بنابراین ما کمونیستها درهمان حال که خواستار تحقق شعارحق ملل درتعیین سرنوشت خودهستیم، نه ازجدائی ملتها بلکه از تشکیل یک حکومت مقتدر کارگران وزحمتکشان همه ملتهاوخودمختاری وسیع منطقه ای برای ملل ساکن ایران دفاع میکنیم. ممکن است عوامفریبان بورژوا وخرده بورژوا، حتی ناسیونالیستهای ملتهای تحت ستم عنوان کنندکه دراین موضع کمونیستها دوگانگی وتناقضی وجوددارد‌ونمیتوان دفاع از حق تعیین سرنوشت رابادفاع ازیک دولت کارگری متشکل ازکارگران ملتهای مختلف دریکجاگردآورد. خیر! مطلقا چنین دوگانگی وتناقضی وجود ندارد. مااولا به ملتهای تحت ستم ساکن ایران میگوئیم شما حق دارید آزادانه سرنوشت خودراتعیین کنید. ایـن‌حق متضمن این است که شما آزادانه تصمیم بگیرید که میخواهید درچارچوب کشوری بنام ایران باقی بمانید یاجداشوید ویک دولت مستقل تشکیل دهید. پس دراینجاما صرفا ازیک حق دفاع میکنیم وهنوز بطور مشخص موضع مادرمورد این مسئله روشن نشده‌که ما کمونیستها به ملتهای ساکن ایران چه میگوئیم وبر اساس منافع طبقه ای که از آن دفاع میکنیم چه رهنمودی میدهیم وبرای چه چیزی تبلیغ میکنیم.

ثانیا- ماکه ازموضع کارگران بمثابه یک طبقه واحد حرکت میکنیم وازنظر ما کمترین تفاوتی میان کارگر آذری، فارس، کرد، بلوچ وغیره وجودندارد، بطور مشخص خطاب به کارگران وزحمتکشان میگوئیم منافع شمادراین است که متحدا درچارچوب یک کشور واحد ویک دولت واحد علیه سرمایه دار آذری، فارس، کرد، بلوچ وغیره مبارزه کنید. بااین همه، سرانجام این یک ملت است که برمبنای حق تعیین سرنوشت تصمیم میگیرد که درچارچوب ایران باقی بماند وازیک خودمختاری وسیع منطقه ای برخوردارباشد یاجداشودویک دولت مستقل تشکیل دهد‌و اگر ملتی آزادانه تصمیم به جدائی بگیرد. این تصمیم قطعا باید مورد احترام قرار بگیرد. در چنین حالتی حتی چنانچه مخالفت شونیستی میان ملت ستمگر وجودداشته باشدمابااین شونیسم مبارزه میکنیم وبه توده مردم توضیح میدهیم که باید به حق هرملتی در تعیین سرنوشت خوداحترام گذاشت وهیچ ملتی نمیتوانددرحالی که ملت دیگری رادراسارت خوددارد، ملتی آزاد باشد. بنابراین کاملاروشن است که موضع ما کمونیستها یگانه موضع منطقی برای حل مسئله ملی درایران است. طبیعتا این راه حل نمیتواند موردتأیید بورژوازی وخرده بورژوازی شونیست فارس ونیز ناسیونالیسم بورژوائی ملت ستمدیده قراربگیرد. چراکه خلاف منافع طبقاتی آنهاست. نه تنها جمهوری اسلامی بلکه انواع واقسام اپوزیسیونهای بورژوائی وخرده بورژوائی راه حل شان همچنان حفظ اسارت این ملتها ازطریق سرکوب وستمگری است. این شیوه واین سیاست ورشکستگی خودرا عملانشان‌داده است. امروزهم جمهوری اسلامی بهرشیوه ای که متوسل گردد نمیتواند ملتهای تحت ستم رابرای مدتی مدیددراسارت نگهدارد. حتی توطئه سرکوب مشترک دولتهای ترکیه، سوریه وایران هم چاره ساز نیست. بمباران وگلوله باران مقرهای پیشمرگان کردهم درآن سوی مرز کمکی به رژیم نخواهد کرد. جمهوری اسلامی بهر جنایتی که علیه ملتهای تحت ستم بویژه خلق ستمدیده کرد متوسل گردد، سرانجامی جزشکست نخواهد داشت. بلکه بالعکس زمینه های سرنگونی خودرافراهم تر میسازد. اکنون این حقیقت حتی برعقب مانده ترین بخش ملتهای تحت ستم نیز روشن شده است که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی تحقق هیچیک ازمطالبات آنها امکانپذیرنیست. درعین حال باید ملتهای تحت ستم نیز پس ازاینهمه سرکوب وتجربه اندوزی به این حقیقت نیز واقف گردند که تنهابقدرت رسیدن یک حکومت انقلابی کارگران وزحمتکشان درایران تضمینی برای تحقق خواستهای برحق آنها ازجمله حق تعیین سرنوشت است. اگرحتی جمهوری اسلامی هم سرنگون گردد، اما حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان برقرارنشود بلکه جریانات اپوزیسیون بورژوائی فعلی قدرت رابدست بگیرند. بازهم مشکل مسئله ملی بجای خود باقی خواهد ماند، حق تعیین سرنوشت ملتهای تحت ستم برسمیت شناخته نخواهدشد وسرکوبگری گذشته ادامه خواهد یافت لذا تحقق مطالبه ملیتهای تحت ستم مبنی برتحقق حق ملل درتعیین سرنوشت خود درگرو سرنگونی جمهوری اسلامی وبرقراری یک حکومت انقلابی درایران است.

★ آمریکا بازهم دست به کشتار مردم عراق زد!

اقدام وحشیانه دولت آمریکا درموشک باران بغداد که طی آن خانه وکاشانه تعدادی ازمردم بیدفاع ویران گردیدوعده ای کشته وزخمی شدند موجی ازخشم وانزجار در میان مردم جهان برانگیخت.

باکدام منطق جز منطقی که از ماهیت ارتجاعی امپریالیسم وتمایل آن به نظامی گری، اعمال زور، سرکوب وستمگری برمیخیزد میتوان این عمل کثیف وضدبشری راتوجیه کرد که بدون هرگونه اخطار ۲۳ موشک راباقدرت تخریبی بسیارعظیم درنیمه های شب بوسط یک شهربزرگ وپرجمعیت پرتاب کرد ومردمی راکه در خانه های خوددرخواب بسر میبردند کشتارکرد؟ براستی بشریت درقرن بیستم باید شاهد چه جنایات هولناکی ازسوی قلدرهای جهان سرمایه‌داری باشدکه برغم اینهمه جنایات خودرامتمدن معرفی میکنند؟ چگونه مدعیان تمدن، پیشرفت وبشر دوستی این همه جنایات راتوجیه میکنند؟ به همین توجیه موشک باران اخیر بغدادتوجه کنیم. امپریالیسم آمریکا ادعامیکند که این اقدام نظامی بمنزله تنبیه صدام ودستگاه امنیتی آن است که بهنگام بازدید بوش از کویت می خواسته اند ازطریق انفجاریک ماشین مملو از مواد منفجره وی رابقتل برسانند. امابرای هرانسان اندک آگاهی روشن است که اولا- خوداین مسئله هنوز درپرده ابهام قراردارد وصحت این قضیه که آیا رژیم عراق قصد ترور بوش راداشته ویااینکه خودمسئله یک صحنه سازی ازسوی هیئت حاکمه کویت است به اثبات نرسیده است. چرا که ازمیان ۹ نفری که دراین رابطه دستگیر شده اند ۷ نفر بکلی ازمسئله اظهاربی اطلاعی نموده و۲ نفر دیگرهم که گویا اعتراف کرده اند از سوی دستگاه امنیتی رژیم عراق مأمور ترورربوش بوده اند بعدا عنوان نموده‌اند که این اعتراف غیر واقعی

است وزیرفشار در مرحله بازجوئی اخذ شده است .

ثانیا - فرض کنیم که ادعاهای آمریکا تماما صحت داشته باشد ، درکجاحتی برطبق قوانین وموازین حقوق بورژوائی میتوان کسی رابه اتهام اقدامی که صورت نگرفته محکوم ومجازات کرد. ثالثا- بازهم فرض کنیم که ادعای آمریکا صحت داشته باشد،این مسئله چه ربطی به بمباران وکشتارمردم بیدفاع دارد؟ کلینتون رئیس جمهور آمریکا پس از این اقدام جنایتکارانه ، برای توجیه این عمل کثیف ادعا کرد که هدف ازاین عملیات نظامی ازبین بردن سیستم امنیتی واطلاعاتی عراق بوده وعملیات ۹۰ درصدموفق بوده است . دقت کنید وببینید که رئیس جمهورکشوری که ادعای رهبری جهان رادارد چه اراجیفی برای توجیه عمل جنایتکارانه ووحشیانه خودارائه میدهد؟هر انسان ذی شعوری میفهمدکه سیستم اطلاعاتی وامنیتی یک کشور یک ساختمان نیست که با تخریب آن ، سیستم امنیتی واطلاعاتی آن کشور ازبین برود ومهمتراینکه فرضا که هدف عملیات ازبین بردن مرکز اطلاعاتی رژیم عراق باشد، نمیتواند توجیه گر کشتارمردمی باشد که برتاب موشکها سرپناهشان رابرسرشان خراب کرده است .امپریالیسم آمریکا بهیچ طریقی نمیتواند این عمل ننگینی راکه منجربه کشتار تعدادی ازمردم عراق گردید توجیه کند .اگر ادعاهای آمریکا صددرصد هم صحت داشت بازهم بهیچ طریقی چنین اقداماتی قابل توجیه نبود . برای روشن کردن مسئله به یک نمونه مشخص اشاره کنیم وآن رژیم جمهوری اسلامی ایران است . همگان میدانند که این رژیم یکی از مظاهر برجسته تروریسم دولتی وبین المللی است . جمهوری اسلامی نه تنها درداخل ایران مردم راسرکوب و کشتار میکند ودست به اعدام وترور مخالفین خود درداخل وخارج میزند، بلکه دستور ترورو کشتار اتباع کشورهای دیگررانیز صادرمیکند. تروریستهای وابسته به آن در فروشگاههای بزرگ ومراکز رفت وآمد توده‌ای بمب منفجر میکنند. این رژیم تروریستهای اسلامی رادرکشورهای دیگر سازماندهی میکند وآموزش میدهدودریک کلام دراغلب تروریهای بین المللی دست دارد. مسئله تروریسم جمهوری اسلامی چنان روشن وغیرقابل انکاراست که این مسئله درمقیاسی بین المللی ازسوی دولتها وسازمانهای بین المللی محکوم شده است .اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیزکه خود قربانی این تروریسم است ، مکرر رژیم رامحکوم نموده و علیه آن مبارزه کرده است . مردم ایران هم که تحت حکومت اسلامی زیرشدیدترین فشارها قرارگرفته وازابتدائی ترین حقوق انسانی محروم اند ازاین رژیم نفرت دارند وبرای برافکندن آن مبارزه میکنند. بااینهمه وعلیرغم اینکه درسرکوبگری وتروریسم بین المللی جمهوری اسلامی کمترین تردیدی وجودندارد، هیچ دولتی توجیه ومجوزی نخواهدداشت که دریک نیمه شب درحالی که مردم درخوابند، مثلا تهران را بمباران کند،مردم بیدفاع راکشتار نماید و بعدهم ادعا کندکه جمهوری اسلامی رابخاطر تروریسم‌بین المللی اش مجازات کرده است ؟ این یک عمل جنایتکارانه است واسم آنرا نمیتوان مجازات جمهوری اسلامی گذاشت .چنین توجیهات واقدامات ننگینی تنها از جانب دولتهائی میتواند سربزند که تا کنون جنایات متعددی درسراسر جهان علیه بشریت مرتکب شده اند. دست به بمباران اتمی ژاپن زدند، ویتنام راویران کردند. برای حفظ امپراطوری خود گستاخانه درکشورهای دیگرمداخله کرده اند، کشورهارابا شغال نظامی خوددر آورده‌اند. رژیم هارابا زوروکودتا عوض کرده اند. برای حفظ منافع خود وبنام مقابله با چپ وکمونیسم ازارتجاعی ترین رژیمها دفاع نموده‌اند وامثال رژیم جمهوری اسلامی رابمردمی که برای استقراردمکراسی وعدالت اجتماعی بپاخاسته بودند، تحمیل کردند. این دولتها نیز از مظاهر بارز تروریسم بین المللی هستند . اقدام اخیر دولت آمریکا درموشک باران بغداد تنهایک نمونه دیگر ازاین تروریسم ،باج خواهی، نظامی گری وتوسل بزور برای حفظ سیادت خودمیباشد. دولت آمریکا بیهوده تلاش میکند برای اقدامات نظامی وسرکوبگرانه خود توجیهاتی نظیر آنچه که کلینتون ارائه داده دست وپا کند. واقعیت مسئله چیز دیگریست . امپریالیسم آمریکا بنابماهیت خود ناگزیر است که دراوضاع جهانی موجود، هرچند وقت یکبار دست بیکی ازاین ماجراجوئیهای نظامی بزند، تاشاید امپراطوری خودراحفظ کند. شاید سیادت جهانی خودراحفظ کند . شاید برتری خودرادرجهان سرمایه داری حفظ کند وبدینطریق توازن قوا رابنفع خود حفظ کند . اما واقعیات نشان میدهند که این آخرین تلاشهای مأیوسانه امپریالیسم آمریکا نیز نمیتواند روال قطعی آنرابتأخیر اندازد.

کنفرانس جهانی حقوق بشر، هیاهوی بسیار برای هیچ !

دفاع کند . دولتهای "متمدن" اروپائی نمیتوانندگام‌بگام دستاوردهای مبارزاتی کارگران کشورهای خویش رابس بگیرند، کارگران راهزار هزار از کارخانه ها به بیرون پرتاب کنند،تامین اجتماعی راروزبروز محدودتر نمایند، قوانین بیشرمانه ای علیه خارجیان وپناهندگان سیاسی وضع نمایند ودرعین حال مدافع واقعی حقوق بشر باشند. سازمان ملل نمیتواند ملعبه دست امپریالیستها ودر راسشان امپریالیسم آمریکا باشدودرعین حال ضامن اجرائی مفادبیانیه حقوق بشر درکشورهای مختلف باشد. همان گفته بطروس غالی به بهترین شکل ممکن ماهیت طرفداری سازمان ملل ازحقوق بشرراآشکار میکند:" حقوق بشر در کنارصلح ،امنیت و توسعه درراس برنامه های سازمان ملل قراردارد" براستی حقوق بشر نیزهمانگونه درراس برنامه های سازمان ملل قراردارد‌که صلح ، که امنیت وتوسعه . حقوق بشرسازمان ملل برای مردم محروم واستثمارشده جهان همانند صلح وامنیتی است که نیروهای پاسدار" صلح"این سازمان برای مردم سومالی ، مردم عراق ومردم دهها کشور دیگر جهان به ارمغان آورده اند،توسعه " اهدائی " سازمان ملل به ملل محروم جهان ، همان فقروفلاکت ، غارت منابع طبیعی ،بهره برداری چند صد میلیارد دلاری وغیره است . وقتی وضعیت حقوق بشر ودفاع ازآن نزد دول " متمدن " بورژوائی وسازمان ملل چنین باشد، تکلیف دول حاکم برکشورهای عقب مانده که دسته اول میخواهنددرس حقوق بشر به اینان بدهند،روشن است . در آسیا،آفریقا وآمریکای لاتین ، دیکتاتوریهای حاکم به خشن ترین اشکال ممکن ، توده‌های مردم راازحداقل حقوق انسانی و اجتماعی خودمحروم ساخته اند. آیا مضحکه نیست که این دولتها باتفاق دول امپریالیستی کنفرانس تشکیل دهند تاازحقوق انسانی توده های مردم دفاع کنند ومکانیسم هائی برای اجرای مؤثرتر حقوق بشر تعیین نمایند؟ دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر به عینه آشکارساخت که دول بورژوائی امروز حتی درحرف نیزبه مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر ومقاوله نامه های بین المللی مربوطه که در توازن قوای متفاوتی ازوضعیت امروز جهان ، امضا نموده بودند،پای بند نیستند. سرمایه بین المللی امروز چنان هار وعنان گسیخته طبقه کارگر وزحمتکشان رامورد تهاجم قرارداده است که چهره‌اش باهیچ ماسکی آرایش نمیشود. امروز تنها مدافعان رعایت حقوق انسانی ، حرمت شخصیت انسانها وحقوق اجتماعی وسیاسی آنان ،طبقه کارگر، عموم زحمتکشان وروشنفکران انقلابی اند .

یادداشتهای سیاسی

★ ارتجاع اسلامی وتشدید تضییقات علیه زنان ایران

ازاوائل تیرماه بار دیگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بردامنه تضییقات ومحدودیتهای خود علیه زنان ایران افزوده و مأموران رژیم باتوسل به کثیف ترین شیوه‌ها، اذیت وآزارزنان، اهانت وسرکوب قهری آنها کنترل شدیدی رادرمورد زنان بمرحله اجرا گذاشته اند. مقدمات این یورش وحشیانه‌از مدتها پیش توسط سران حکومت تدارک دیده شده بود و چندروز قبل ازآغازفصل تابستان ، فرمانداری ناحیه انتظامی تهران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که بابسیج کلیه نیروهای تحت امرخود ازاول تیرماه طرح جدید مبارزه با مفاسد اجتماعی را بمرحله اجرا درخواهدآورد. در همان حال خبرتشکیل " گشت ویژه ارشاد" نیزاعلام گردید که هدف آن مبارزه بازنان باصطلاح بدحجاب ذکرشده بود.

باآغازنخستین روزتیر ماه گله های مزدور رژیم متشکل از نیروهای سرکوب رسمی بنام نیروهای انتظامی باضافه شبه نظامیان مزدور موسوم به بسیج وانواع واقسام دستجات مزدور مخفی وعلنی شهرهای بزرگ ایران بویژه تهران را قرق کردندوسرکوب زنان راآغاز نمودند. مزدوران سرکوبگر رژیم که اغلب گله واردرشهرها حرکت میکنند به زنان حمله میکنند، آنهارامورد‌ضرب وستم واهانت قرارمیدهند. موی سر برخی اززنان رادرخیابانها‌قیچی میکنند. برخی دیگر رابه مراکز سرکوب میبرندوبه شلاق وزندان و جریمه محکوم مینمایند. سران مرتجع رژیم بلااستثناء پشتیبانی خود را ازاین اقدامات وحشیانه وسرکوبگر اعلام نموده وازهمه نیروهای نظامی و انتظامی خواسته اند که بابسیجیان دراین زمینه همکاری وهماهنگی لازم راداشته باشند. دستگاه قضائی رژیم نیزدادگاههای ویژه ای بدین منظور تشکیل داده است . شدت عمل وسرکوب بخصوص درهفته اول تیرماه بحدی بود که در برخی مواردواکنش هائی رااز سوی مردم برانگیخت . همچنین انعکاس این سرکوب درسطح بین المللی از طریق خبرگزاریهای جهانی وترس رژیم ازیک اعتراض گسترده مردمی منجربه هشدارهائی ازدرون خود هیئت حاکمه گردیدکه نیروهای سرکوب راازتندرویهای بیش ازحد خود برحذر میداشت . لذا فرماندهی ناحیه انتظامی تهران طی یک بیانیه دیگرازمأموران خود خواست که سیاست " ارشادی" رادر پیش گیرند. بهررو این اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه زنان همچنان ادامه یافت و هزاران زن دراین رابطه دستگیر گردیدند. رژیم جمهوری اسلامی هدف ازاین اقدامات سرکوبگرانه را" مبارزه با مفاسد اجتماعی" اعلام نموده، امادرواقع هدف آن مجبورنمودن زنان به رعایت ضوابط حجاب اجباری است . چراکه مسئله مفاسد اجتماعی که جمهوری اسلامی خودبه آن دامن زده است ودارای مفهومی وسیع وجامع است ربطی به مسئله حجاب وچادروچارقد برسر کردن ندارد. مفاسد اجتماعی دقیقا مربوط به‌نظام سرمایه داری یعنی همان نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران است که جمهوری‌اسلامی پاسدارآن میباشدوتوده‌مردم را درمعرض فقر، استثمار، بیکاری ، قرار داده و نیز سیستم حکومتی استبدادی وفاسدی است که مردم رادرمعرض فشار، بی حقوقی وناآگاهی قرارمیدهد.

بنابراین پرواضح است که جمهوری اسلامی ازیکسو بعنوان پاسدار نظام سرمایه داری وازسوی دیگر بعنوان یک رژیم سیاسی که

۱۳ ◄

" آئین نامه کارهای سخت وزیان آور"

وجنبه های ضدکارگری آن

پس از گذشت ۱۵ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی ودرحالیکه چندسالی ازتصویب قانون کار میگذرد، سرانجام درنیمه خردادامسال وزرای کارواموراجتماعی و بهداشت ودرمان وآموزش پزشکی، آئین نامه کارهای سخت وزیان آور رابه تصویب رساندند وبه گفته معاون وزارت کاراین آئین نامه برای اجرا ابلاغ شده است .

آئین نامه مذکور که توضیح دهنده ماده ۵۲ قانون کار جمهوری اسلامی است ، در اصل میبایست محدوده کارهای سخت وزیان آور راتعیین کند واین مشاغل رامشخص نماید، تا برطبق آن کارگرانی که دراین مشاغل، به کارمشغولند، ازمزایا وامکانات مربوط به کارهای سخت وزیان آور برخوردار شوند. جالب توجه است که طبق اعلام رسمی این آئین نامه دو سال پیش یعنی درتاریخ ۷۰/۳/۴ توسط شورای عالی کارتهیه شده است وبقیناتابه امروز در بایگانیهای ادارات مختلف خاک میخورده است تارژیم شرایط مساعد رابرای طرح علنی آن تشخیص دهد. این آئین نامه مشتمل بر ۲۰ ماده وتعدادزیادی تبصره است . تک تک موادآن بقدری کشدار، گنگ وقابل تفسیر است وبه چنان اما واگرهائی مشروط شده است که مرور چندین باره آن نیزکمکی به درک این مسئله نمیکندکه بالاخره کارهای سخت وزیان آور مشخصا کدام هستند وچه حدی از تجمع گازهای شیمیائی درمحل کار، تاچه حدی ازکار با " وسائل دارای ارتعاش" و... برای سلامتی کارگر زیان آوراست وکارفرما دراینموارد موظف است اقدامات لازم راانجام دهد تا کارگران شاغل به این رشته ها کمتر صدمه ببینند . درعین حال درتمام موادی که به تعریف کشدارکارهای زیان‌آور پرداخته شده است، ذکرشده است " کار مستمر ومستقیم " وازسوی دیگر درتبصره ماده ۱ که به تعریف کلی کارهای سخت وزیان آور اختصاص دارد، تاکید شده است اگر کارفرما با استفاده از امکانات فنی عوامل کاررابه حد استاندارد برساند، این کارها دیگر کارسخت وزیان آور محسوب نمیشوند. تااینجا علاوه برکشدار بودن تعریف کارهای سخت وزیان آور، دونکته اشاره شده به سرمایه داران این امکان را میدهد که با اندک تغییراتی ،یک حرفه مشخص رااز

۱۵ ◄

برای تماس با
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)
نامه های خودرا دردونسخه جداگانه برای دوستان وآشنایان خوددرخارج ازکشورارسال واز آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیرپست کنند .
Postfach 5312
25437 Hannover
Germany

کمک‌های مالی خودرا به شماره حساب بانکی زیر واریز ورسید آن را به همراه، کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمائید .
A.MOHAMMADI
490215483
Amro Bank
Amsterdam-HOLLAND

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرارباد جمهوری دمکراتیک خلق